

نمونه امضاء اعضای هیات دولت

۱۳۲۰-۱۳۳۲ ش

(آخرین قسمت)^(۱)

علی کریمیان

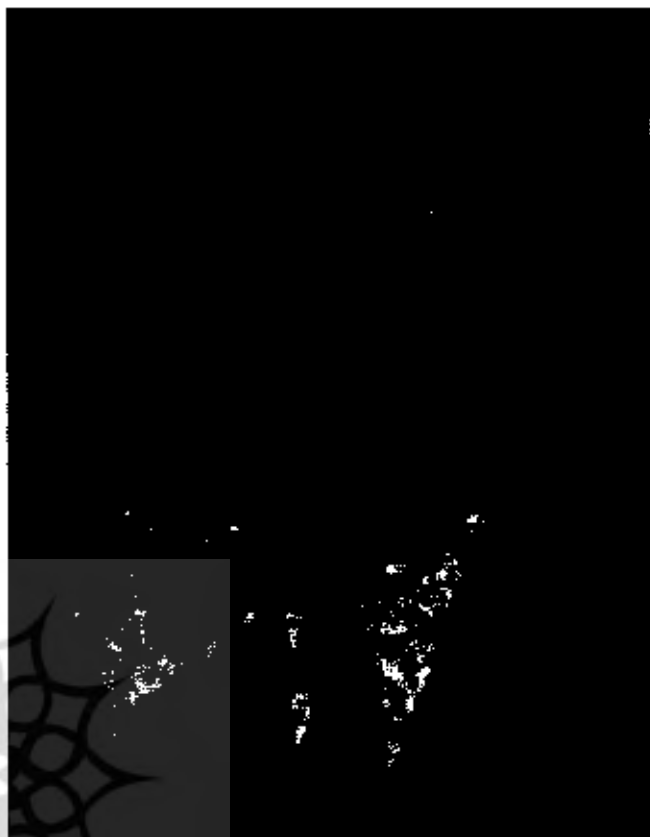
دشتی، علی

تاریخی شرکت و وظیفه ملی و میهنی خود را به بهترین وجهی ادا می کردند. آیت الله مدرس، حاج امام جمعه خویی، مشیرالدوله پیرنیا، مستوفی الممالک، ممتازالدوله، محتشم السلطنه، ذکاءالملک فروغی، معین الوزاره (حسین علاء)، مستشارالدوله، ممتازالملک، معین التجاره، ارباب کینخسرو شاهرخ، دکتر محمود افشاریزدی، حاج میرزا یحیی دولت آبادی، عبیدالله مستوفی، علی دشتی و عده ای دیگر با این قرارداد به مخالفت پرداختند (۹). بدین سبب حتی بعضی از رجال مانند مستازالدوله، مستشارالدوله و محتشم السلطنه به کاشان تبعید شدند (۱۰). دشتی نیز با نوشتن مطلب در «شب نامه» ها که پیش از سال ۱۳۳۱ ش رواج یافته بود (۱۱) مقالات تند و آتشین بر ضد رشوق الدوله منتشر می کرد.

وی بر اثر این فعالیت ها و مخالفت با قرارداد مذکور، در تابستان سال ۱۲۹۹ ش توسط اداره تأمینات بازداشت شد (۱۲). بعد از آن، دو روز در اداره تأمینات نظمی و هشت روز در محبس زندان (شماره ۷ قصر، محبس گردید (۱۳). پس از این مدت، مستطقی (بازپرس) دو مأمور مسلح را حضار و رفقه ای به دست آنها داد و گفت: علی دشتی را به سرحد ایران در ناحیه قصر شیرین ببردند و از آن جا او را به همان جا که آمده بازگردانند (۱۴). متعاقب آن او را از محبس یکسره و بدون مقدمه با دو نفر اندازیم به وسیله گاری یستی به طرف فروین روانه کردند (۱۵). چون شب در نیمه راه، گاری برای استراحت و تعویض اسب در آبادی «شاه آباد» توقف کرد (۱۶). شب هنگام گاری یستی، دشتی و مأمورین همراه را جا گذاشته، آن جا را ترک کرده بود. صبح روز بعد که دشتی نامه ژاندارمها را دید متوجه شد که بنابه دستور

علی دشتی (۲) مرزند شیخ عبدالحسین (۳) به سال ۱۳۷۵ ش (۴) در شهر کربلا و در یک خانواده روحانی به دنیا آمد (۵). پدرش یکی از علمای عصر خود بود. دشتی در شهرهای کربلا، نجف و بغداد به کسب علم پرداخت (۶). او تحصیلات مقدماتی را در مکتبخانه های قدیمی به پایان رسانید، سپس به تحصیل عربی و معانی پرداخت، فقه و یک قسمت از اصول را در محضر حاج سید حسین فشارکی که از مجتهدین بزرگ عصر بود فرا گرفت، و «کفایه» مرحوم آخوند خراسانی را که بزرگترین کتاب اصول دوره اخیر شناخته می شود، نزد حاج شیخ عبدالکفریم یزدی - مجتهد بزرگ و معروف که خود سالهای آخر عمر در قم گذراند و از مراجع بزرگ شرع که در آن تاریخ در کربلا تدریس می نمود - تحصیل کرد (۷).

وی در سال ۱۳۲۲ ق (۱۲۵۹ ش) به جانب بوشهر رهسپار گردید، و از آن جا به برازجان رفت و مدتی در خانه شیخ محمد حسین برازجانی - شوهر خواهرش - رحلی اقامت کرد. او در اواخر جنگ بین المللی اول، ابتداء شیراز و بعد از مدتی به اصفهان رفت، سپس از آن جا به تهران آمد. ورود دشتی به پایتخت مصادف بود با انعقاد قرارداد ۱۹۱۹ م. قرارداد رشوق الدوله با سرپرستی کاکس - جوش و خروش در تهران برپا بود. آیت الله مدرس پرچمدار و مبلغ مبارزه بود (۸). همچنین در مخالفت با قرارداد مذکور بسیاری از رجال، روحانیان، روزنامه نگاران و خطبای آن دوره در این قیام بزرگ



قدمهای بلند به دیال من دوید و با لهجه ای که خجالت و شمتت از آن می بازید خواهش کرد که یک مشت پول نقره که در دست داشت از او قبول کنم.

نمی دانم احساس ترحم بود، ملاحظه فقر و بیچارگی آنها بود، یا حسن معاشرت بود که مرا وادار کرد با یک اصرار اجابت آمیز خواهش او رازد و خود را بی نیاز معرفی کنم. ولی بعد از این که مایوس شد با سیمایی خجالت زده و نظره‌های منکسر به من نگاهی کرد و برگشت. آن وقت فهمیدم که چه روح پای و چه نیت مقدسی را از خود رنجانده و مایوس کرده‌ام.

بالاخره جاده تهران به قزوین که مانند کفی شوم در میان صحرائی تیره رنگ مسند شده است به پایان رسید.

چقدر این مسافت سخت و ناگوار بود. نظره‌های کنجکاو عابریں، حالت روحیه‌ام را محسوس می کرد. مسافری که در خط راه با من مصادف می شدند، مشخصی که در فقه خانه های کنار راه بودند، ژاندارم هایی که سرر یابگاهی مرا مانند یک امانت پستی تحویل گرفته و قبض رسید می دادند، همه شان با نگاههای متعجب و کنجکاو به صورت من خیره شده و سپس نظره‌های استفهام آمیز خود را به صورت قراولان مستعظم می دوختند (۱۹)...

دشنی که در اثر ضعف، خستگی و کم غذایی، بیماری مالاریا پیش خود کرده بود، در قزوین از پای افتاد، به ناچار او را مدت بازنده روز در یکی از اتاقهای ژاندارمری بستری کردند به محض این که حالتش بهتر شد (۲۰)، یاور محمود خان یولادین و سلطان محمود خان پروین، افسران ژاندارم پس از مخبره تلگراف به تهران دستور گرفتند که او را به وسیله گاری به همدان بفرستند (۲۱)، ولی همین که به همدان رسید، کابینه و نوب الدوله سقوط کرده و مشیرالدوله رئیس الوزراء شد (۲۲) و هنوز از همدان خارج نشده بود که حاج میرزا عبدالوهاب همدانی - از علمای همدان - با سایر علما به وسیله تلگراف به تعبد علی ششتی اعتراض کردند. اما وقتی جواب تلگراف رسید که او را به کرمانشاه برده بودند. مشیرالدوله دستور داده بود که «عجالتاً» در کرمانشاه بماند (۲۳).

دشنی، پس از مدتی اقامت در کرمانشاه، در دوره زمامداری سپهدار به هر زحمتی که بود به وسیله تلگراف با تهران تماس گرفت و دوستان روزنامه نویسی حکم آزادی او را گرفتند (۲۴) سپس به تهران بازگشت.

وی دوباره به کار سیاست و نشر مقالات سیاسی پرداخت که بار دیگر مخالفان، ذهن حکومت را درباره او مشوب کردند. مجدداً مدت یک هفته در فوج سوار زندانی گردید. سرانجام با کمک سید محمدصادق طباطبایی آزاد شد (۲۵). دشنی از آن پس کار روزنامه نویسی در پیش گرفت و این کار تا جریان کودتا ادامه داشت (۲۶).

پس از کودتای سوم حوت (اسفند) ۱۲۹۹ ش، سیدضیاءالدین طباطبایی، تصمیم گرفت از همان آغاز صدارت یک کار اساسی بکند. وی دستور توقیف عده‌ای از رجال چپ و راست، مشهور و گمنام، بی پول و بولدار را صادر کرد. که یکی از آنها همین

دولت او را می خواهد از سرحدات خارج کنند، ناگزیر در اثر نبودن وسایل و فشار ماموران (۱۷) به ناچار هر سه نفر پای پیاده به راه افتادند و بقیه مسافت تهران تا قزوین را شش روزه پیمودند.

دشنی احساسات و شرح نیت خود را در کتاب «ایام محبس» بازگو کرده است که در این قسمت شرح ماجرا را از کرج تا قزوین به نقل از ایام محبس (با حذف بعضی معطوف برای اختصار مطلب) بیان می گردد:

... امروز چهار فرسخ پیاده راه رفتم. گنوه‌های ظریفی که برای قدم زدن در حواشی خیابانها ساخته شده است پاره شد. مالاریا عودت کرده است و امروز از صبح تا به حال در حرارت ملایم آن می سوزم. گمان می کنم که هر روز چهار فرسخ باید راه بروم. برای این که هیچ پول همراه خود نیاورده‌ام. دولت هم برای من مخارجی تعیین نکرده. ژاندارمها با نهایت انسانیّت از من پذیرایی می کنند، ولی من نمی توانم برای اسراحت خود، سرباز فلاکت و بیریشانی اشخاصی بشوم که حقوق ماهیانه آنها از شش تومان تجاوز نمی کند. آن هم چند ماه عقب می افتد...

شاید هیچ وقت فراموش نکم منظره سخاوت و شفقتی را که امروز تماشا کردم وقتی که می خواستم از کرج حرکت کنم احساس کردم ما بین چند نفر از نابین ها (۱۸) همهمه و نجوایی شروع شده است. همین که چند قدم از سربازخانه دور شدم یکی از آنها با



حسن وثوق

دشתי از سال ۱۳۰۹ شمسی بر اثر اشتغال در مجلس شورای منی، مدیریت و سردبیری روزنامه را به میرزا ایدالله خان نویسنده کاتبی (۲۸) که از فرهنگیان با سابقه بود سپرد. ولی خود نیز بر مدارجات شفق سرخ نظارت داشت و بیشتر سرمقاله‌ها را خودش می‌نوشت (۳۹).

این روزنامه در آغاز هفته‌ای سه شماره و از سال ۱۳۰۶ ش به صورت یومیه درآمد و وثوق روال روزنامه‌های آن زمان هر هفته ۵ شماره، صبحها منتشر می‌شد (۲۰)، اما همانطور که گفته شد، اولین شماره شفق سرخ در ۱۱ حوت (اسفند) ۱۳۰۰ شمسی = ۲ رجب ۱۳۴۰ قمری = ۳۰ فوریه ۱۹۲۲ میلادی و آخرین شماره آن ۲۸۹۷ می‌باشد (۴۱). امتیاز روزنامه در ۲۶ فروردین (۲۲) ۱۳۱۴ [چهار روز بعد از دستگیری علی دشستی] لغو شد (۴۲).

روزنامه شفق سرخ تا سال پنجم چند بار توقیف گردید. دشستی نیز در این دوره از هیچگونه مقاومتی فروگذار نبود و با آن که روزنامه با انتشار و کشتار هوئتاک در خاک بختیاری، بر اثر یادداشت سفارت انگلیس و به امر قوام السلطنه توقیف گردید، متعاقب آن روزنامه‌های آزادیخواه دیگری از جمله: اقدام، اتحاد، حیات جاوید و قریب ده روزنامه دیگر برای حمایت از شفق سرخ توقیف شدند (۴۴). ولی دشستی به جای شماره ۶۵ شفق سرخ «عصر انقلاب» (۴۵) و به جای

علی دشستی بود، که مخالفتش با قرارداد ۱۹۱۹م و دولت وثوق‌الدوله باعث شهرتش شده بود (۳۷). از این رو، دشستی به همراه تعدادی از رجال و سیاستمداران دیگر از جمله: شیخ حسین یزدی، آیدالله مدرس، حاج محمدالدوله، فرمانفرما، سردار معظم خراسانی (نیورنالی)، زینبا، فرخی، فدائی، بهار، آقامیدهاشم و جماعتی دیگر را در بغ سردار اعتماد حبس کرد. آنان در تمام صدارت سیدضیاء محبوس بودند (۲۸).

دشستی هنگامی که در محبس بود، یادداشت‌هایی در ثناء سه ماهه حبس نگاشت. او در آغاز یادداشت‌های خود درباره دشواریهایی که در این راه داشته است می‌نویسد: «... امروز شانزده روز است که در این ظلمت‌گدازه مدفون شده‌ام؛ ... بعد از شانزده روز احساس و درخواست، امروز بمن اجازه نوشتن دادند. ... بعد از شانزده روز فشار و سختی چه بنویسم، این فکر ضعیفی که شانزده روز تا کمال سختی پایداری و محروم شده است چه تراوشتهای خواهد داشت؟» (۲۹). وی سپس این یادداشت‌ها را در پورق‌های روزنامه شفق سرخ - از شماره ۱ تا ۱۵ - به چاپ رساند (۳۰). بعد از آن به همراه اوراق پراکنده‌ای که در انزای تبعید خود به کرم‌نشین (در اواخر کابینه وثوق‌الدوله) یادداشت کرده بود، پیوست کرده و در یک مجموعه تحت عنوان «ایام محبس» به چاپ رساند (۳۱). همچنین در این ایام، کتاب «نوامیس روحیه نظور ملل» تألیف گوستاو لوبون نویسنده فرانسوی را که احمد زغلور، پاشا مصری از متن فرانسه به عربی ترجمه کرده بود، از عربی به فارسی برگرداند (۳۲). اما دیری نگذشت که «کابینه سبزه» نود و نوزده سیدضیاء برافرازد و همه زندانیان سیاسی آزاد شدند. دشستی نیز به عالم مطبوعات قدم نهاد. او در ابتدا قریب سه ماه سردبیر روزنامه شماره ایران (۳۳) بود و با میرزا حسین خان کمال‌السلطان (صب) مدیر آن روزنامه که از آزادیخواهان معروف بود، همکاری داشت (۳۴).

دشستی پس از چند ماه همکاری با روزنامه شماره ایران، تصمیم گرفت خودش روزنامه‌ای منتشر کند. وی در و آخر سال ۱۳۰۰ ش، امتیاز روزنامه «شفق سرخ» را گرفت و در ۱۱ اسفند همان سال اولین شماره آن را به چاپ رساند (۳۵). شفق سرخ در روزهای یکشنبه، سه شنبه و پنجشنبه، در ۴ صفحه و گهگاه در ۶ صفحه به قطع ۵۴x۳۷ سانتیمتر منتشر می‌شد.

در اندازوی سرمقاله روزنامه به جای «مدیر و سردبیر»، «موجد و نگارنده» - علی دشستی - و گاه تحت نظر، «علی دشستی و در سال ۱۳۱۱ ش، صاحب امتیاز و از سال ۱۳۱۳ صاحب امتیاز و موسس علی دشستی نوشته می‌شد. نوع و روش شفق سرخ: خبری، سیاسی، انتقادی و گاهی مطالب ادبی و فرهنگی در آن درج می‌گردید. سرمقاله‌های شفق سرخ، سیاسی، انتقادی و به قلم دشستی نوشته می‌شد و در هر شماره آخرین اخبار داخلی و خارجی را هم در برداشت مقالات متوع نیز در آن دیده می‌شد.

قیمت تک شماره از ۱۶ تا ۸ ماهی (۳۶) و اشتراک یکساله، در تهران ۷ تومان، شهرستانها ۸ تومان و خارجیه ۹ تومان بود. مرکز جریده نیز در تهران، خیابان سعدی واقع بود (۳۷).

در انتشار روزنامه شفق سرخ نویسندگان مشهوری که هر یک در کارهای تحلیلی و نویسندگی از افراد شاخص در ادبیات ایران بودند و با مشاک در تاریخ و ادبیات ایران پرآوازه است. در دوره های مختلف با همکاری و معاونت داشتند: از جمله نویسندگان شفق سرخ می توان به کسانی چون «سعد نمسی» «ملک السعراي بهاره» «عباس اقبالی آشتیانی» «دکتر لطیفی» «مورنگ» «رشید یاسمی» (۴۷) «علی اکبر دهخدا» «عبدالرحمن فرامرزی» «انصرالله فلسفی» «نظام الدین توری» «محمد سعیدی» «دکتر عیسی صدیق» «دکتر صادق رضازاده شفق» «رحیم نامور» «خلیل ملکی» «ابراهیم خواجه نوری» «ناظرزاده گرمانی» «پرنده منزوی» «ابین العابدین مومن» «محمد محیط طباطبایی» و تنی چند از دیگر ادبای معاصر آن عصر اشاره داشت (۴۸).

دستی در روزنامه خود «شفق سرخ» به نوشتن مطالبی در زمینه های مختلف سیاسی ادامه داد. مقاله هایی نیز به صورت پانورمی در این روزنامه منتشر کرد (۴۹) و اما علاوه بر نفوذ سریع روزنامه شفق سرخ عوامل دیگری چون انتقاد وی از سردار سپه که در ذیل می خوانید، باعث شهرت وی و روزنامه اش شد. چند ماهی از کودتا نگذشته بود که سردار سپه با آن اعلامیه «حکم میکم» (ضرب و شست خود را نبرد، از باب جبراید و غیره همه تکلیف خود را دانستند و آنهایی که سرسختی نشان دادند،

شکست خوردند. فرخی که خواست از مشروطه و آزادی سخن بگوید ناچار به سفارت شوروی پناه برد، مدیر «ایران آزاد» تبعید شد (۵۰). روزنامه «ستاره ایران» توقیف و مدیر آن «میرزا حسین خان کمال السلطان (صبا)» شلاق خورد (۵۱) و روزنامه شفق سرخ که خیلی زود به صورت یک روزنامه باقیبود درآمد بود، با شلاق خوردن حسین خان صبا به حد کمال خود رسید. جریان از این قرار بود:

روزنامه ستاره ایران متونی داشت به نام «طوایف و ظرایف» که بیشتر مواقع خود حسین خان صبا در آن مطالبی انتقادی به صورت طنزی نوشت. در میزان (آبان) سال ۱۳۰۱ ش. وی در این ستون ضمن اشاره به قتل (کنش پمیان) گوشه ای به سردار سپه و زیر جنگ زد، سردار سپه که از همان اول تاب تحمل هیچ سخن مخالفی را نداشت صبا را به دفتر خود احضار کرد و علت آن انتقاد را پرسید. صبا که تصور می کرد با شخص نکته دانی روبروست جواب داد «می خواهم شما نادر شوید» سردار سپه که از انتقاد او در روزنامه خشمگین بود این سخن را عم طعنه تلقی کرد و او را به محکمه نظامی فرستاد. محکمه فرمایشی، میرزا حسین خان صبا را به شلاق محکوم کرد. به روایتی او را در کبسه کردند و در میدان توپخانه در انتقاد عمومی شلاق

در همان ایام، یعنی روز بعد از شلاق خوردن مدیر ستاره ایران با این که فضای تهران را تعجب و بهت آمیخته به ترمس فرا گرفته بود. دستی در شماره دهم شفق سرخ مقاله ای منتشر کرد که تاثیر عجیبی در اذهان عمومی گذاشت، می توان گفت که یک قسمت مهم شهرت شفق سرخ و مدیر آن مدیون مقاله شانزدهم حمل (فروردین) ۱۳۰۱ ش. می باشد.

او در این مقاله خطاب به سردار سپه و تحت عنوان «آقای سردار سپه» بخوانید نوشت:

«آقای سردار سپه: بخوانید و به دقت هم بخوانید زیرا از وقتی که متصدی وزارت جنگ شده اید کمتر اینگونه کنعناات گرانها به سامع شمارسیده است.

طبع مجامله کار ایرانی غیر از تقدیم کلمات تحسین و جمله های تمجید و تعریف نسبت به روسا و بزرگان چیز دیگر نمی تواند بگوید.

و در نتیجه این خصلت مذموم است که زمامداران و روسا را سلاطین پیوسته دچار خطبهای مهاک گردیده اند و وقتی ملتفت خطاهای خویش شده اند که دست آنها از دامان هر چاره کوتاه بود است.

محمدعلی میرزا وقتی ملتفت خطبهای خود شد که در سفارت روس متحصن و جز حفظ حیات پست خود هیچ وجه همی نداشت و البته در آن وقت بود که به افرانیان متعلق و درباریان بی حقیقت خود

لعنت کرد، و فهمید آن همه تحسین و تمجید این روز سباه بوده است. آقای سردار سپه، شاید آن روزی که مدیر ستاره ایران را به امر شما شلاق زدند یک نفر به شما نگفت که این رفتار در خاطره عموم ملت چقدر سوء اثر بخشد.

آن روزی که مدیر ایران آزاد به حکم شما تبعید شد کسی اینقدر در راه دوستی شما فداکاری نداشت که از اصدار این حکمی که به قلوب عناصر آزادخواه یک صدمه عیضی می زند جلوگیری نماید... ولی یا آن که نه حال تحسین به سفارت و نه حوصله محسوس شدن در صحن حضرت عبدالعظیم را دارم.

با آن که می دانم بیانات من که مدتهاست از دهان هیچکس نشنیده اند با سامحه شما نفی ندارد و شاید موجب این شود که مقدرات تلخی نظیر مقدرات مدیران ستاره ایران و ایران آزاد منتظر من بوده باشند.

آقای سردار سپه: من یک فتم بیشتر ندارم و آن را هم حکومت نظامی شما می تواند درهم بشکند و حالت روحیه ام برای تحسین در هیچ جا و نسبت به هیچ بیگانه ای حاضر نیست ولی معذاک چون نمی خواهم سر نوشت هایی نظیر اسلاف شما منتظر شما بوده باشند این



حقیقت خالی از آرایش می گویم (۵۳)»....

سردار سپه که ناب تحمل کوچکترین اشاره نفاقه دار رانداست این مقاله ملامت آمیز را خواند ولی عکس العمل نشان نداد. دشتی نیز مقالات خود را همچنان دنبال میکرد و تلویحاً به هرگونه دیکتاتوری و استبداد و تخلف از قوانین حمله می کرد (۵۴). سردار سپه نیز پیوسته در پیشرفت بود و مخالفین خود را از صحنه سیاسی خارج می کرد. اما ورق برگشت و دشتی، آن کسی که به قول خودش: «آزادی را تا حد اختلال نظم و بی انضباطی دوست می داشت» جهره عوض کرد، کم کم به او نزدیک شد تا آن که سرانجام قلم و زبان و فکر خود را در اختیار مقاصد میهن پرستان حضرت اشرف گذاشت (۵۵). و در دفاع از سردار سپه مقالات موثری نوشت. دوستان خود را نیز به وی نزدیک کرد، خودش هم از مقربین شد (۵۶).

از آن پس دشتی در روزنامه شفق سرخ در محامد، مناقب و کارهای فنون و سردار سپه داد سخن می داد (۵۷). بطوری که در جریان جمهوریّت، سردار سپه، در بازگشت از قم روز یازدهم فروردین ۱۳۰۳ با صدور بیانیه ای استغفار جمهوری را متقاضی دانست و این صدا یکباره در تمام ایران خاموش شد. روز ۱۹ فروردین «احمدشاه» ضمن تلگرافی که از پاریس به «ولیعهد» و مجلس شورای ملی مختابره نموده بود، عدم اعتماد خود را به سردار

سپه اعلام و نظریه مجلس را درباره رئیس الوزرای جدید جویا شد. سردار سپه ظاهراً برای آن که مجلس در انتخاب رئیس الوزرای جدید آزاد باشد تهران را ترک گفت و به روسخای «بومهن» رفت. امیر لشکر احمد آقاخان (امیر احمدی) فرمانده لشکر غرب متذکر شده بود که در صورت لزوم برای حفظ امنیت کشور با نیروهای تحت فرمان خود به تهران بخواهد آمد. چون فرماندهان ارتش نسبت به سردار سپه وفادار بودند و محتمل بود برای بازگشت او به یک اقدام نظامی مبادرت کنند و نیز کسی در عرصه سیاست و اقتصاد نظامی نبود که در آن شرایط بتواند به جای سردار سپه رهام امور را در دست بگیرد، مجلس شورای ملی با اکثریت قابل توجهی به ادامه زمامداری او رای داد و نظریه خود را ضمن یک تلگراف به اطلاع «احمدشاه» رسانید. احمدشاه ناچار فرمان نخست وزیری مجدد سردار سپه را تلگرافی به او ابلاغ کرد.

دشتی مدیر روزنامه شفق سرخ در شماره ۲۳ فروردین نوشت. اگر احمدشاه به سردار سپه اعتماد می کرد، سردار سپه در خور نکوهش بود. ولی اکثریت مجلس که اوضاع پریشان و هرج و مرج سابق را به رای العین دیده و قدر خدمات «سردار سپه» را می دانند به او اظهار اطمینان نمودند (۵۸).

دشتی در دوره پنجم از حوره ساوه و زرنند به نمایندگی مجلس انتخاب شد. ولی اعتبارنامه اش با مخالفت آیت الله مدرس مواجه شد. وی استنادی به مجلس ارائه داد که دشتی با اعمال

انگلیستان ارتباط دارد و پاناسمی تلاشی که از طرف سردار سپه و یاران او در مجلس به عمل آمد تا شاید بتوان از رد اعتبارنامه جلوگیری شود، میرشد (۵۹). اعتبارنامه اش در جلسه ۲۴ دوره پنجم، بتاريخ ۱۲ جوزا (اردیبهشت) ۱۳۰۳ ش (۶۰) با ۶۶ رای مخالف رد شد. و به جای وی محمدتقی خان اسعد بختیاری (امیر جنگ) نماینده ساوه و زرنند شد (۶۱).

بعد از سقوط فاجاربه، دشتی مقرب درگاه رضاشاه بود، بطوری که در توصیه نامه محرمانه و خصوصی رئیس دفتر مخصوص رضاشاه به امیر لشکر جنوب در ۱۵ اسفند ۱۳۰۴ ش. آمده است: «انموه ۵۹۹۲، محرمانه و خصوصی است - امارت محتوم لشکر جنوب، قربانت شوم. اطلاعاتاً خاطر شریف را تذکر می دهم و شاید خودتان هم مسحور و مسبوق باشید که آقای علی دشتی مدیر شفق سرخ کاملاً مورد توجه و عواطف مخصوص بنندگان اغلب حضرت اقدس سایون شاهنشاهی ازو احتیفاء هستند و در این موقع که به حدود جنوب عزیمت نموده اند، مقتضی است با ایشان نهایت توجه و مساعدت را مرعی و به هر نقطه ای آنکه می خواهند حرکت نمایند.

نه از روی تظاهر و عنوان رسمی بلکه من غیر رسم و هر حیث موجبات آسایش خاطر ایشان را فراهم دارند. رئیس دفتر مخصوص شاهنشاهی (امضاء) فرج... بهرامی ادبیر اعظم (۶۲)».

از آن پس دشتی در دوره مختلف به نمایندگی مجلس انتخاب شد. وی در دوره ششم کاندیدای مجلس شد که از حوزه انتخابیه بوشهر به مجلس راه یافت و از ۱۹ تیر ۱۳۰۵ تا ۱۲ مرداد ۱۳۰۷ ش نماینده آن شهر بود (۶۳).

درباره حشر و نشر و تقوی وی در دربار، در ضمن خاطرات رضاشاه در سفرنامه مازندران آمده است: «... ویروز که علی دشتی، مدیر روزنامه شفق سرخ به اتفاق بهرامی، رئیس کابینه دفتر امن، به دفتر اداری من در عمارت وزارت جنگ آمده بودند، و من مشغول مطالعه نقشه جغرافیایی ایران بودم...» (۶۴) و درباره التزام رکاب بودن دشتی در این سفر می نویسد: «... ساعت سه و ربع بعد از ظهر جمعه ۲۹ مهرماه ۱۳۰۵ ش. پس از پذیرفتن هیات دولت و ابلاغ نظریات خود در خصوص این مسافرت از «تهران» به عزم «مازندران» حرکت کردم. همراهان عبارت بودند از: شاهپور محمدرضا ولیعهد، فرج... خان بهرامی، رئیس دفتر مخصوص شاهنشاهی، چراغعلی خان، کفیل وزارت دربار، جعفرقلی خان اسعد بختیاری، امیر لشکر خدایار خان، امیر لشکر نقدی، امیر لشکر انصاری، علی خان دشتی نماینده مجلس شورای ملی و مدیر روزنامه شفق سرخ...» بودند (۶۵).

در اوایل آبان ماه ۱۳۰۶ ش. دولت اتحاد جماهیر شوروی هیاتی را به منظور شرکت در جشن دهمین سالگرد انقلاب اکتبر ۱۹۱۷م دعوت کرد. سلیمان میرزا با گروهی مرکب از حاج امین انصاری، شیروانی، دشتی، فرحی پردی، حاج میرزا حبیب... امین، نیکپور، حاج میرزا علی اصغر فیضریه به مسکو رفتند (۶۶). که هیات وزراد

فروردین ۱۳۰۳



کابینه حسین علاء (علی دشتی در این کابینه وزیر مشاور بود)

آذرماه ۱۳۱۱ ش.، دشتی از وزیر مالیه سوال کرده و می‌گوید: سوالی که دو ماه قبل از آقای وزیر مالیه راجع به سهمیه دولت ایران از نفت جنوب نمودم، هنوز به جایی نرسیده و در آن موقع تذکر دادم که دولت باید یک فدری شهامت و شجاعت فکری داشته باشد و به این وضعیت خاتمه دهد. امروز که دولتها معاهده ورسای (۷۲) را لغو می‌کنند، دولت مانپاستی نسبت به یک امتیازنامه پوسیده که تمامی یک طرفی است، سهل‌انگاری کند و من می‌دانم که این مسأله هنوز حل نشده و دولت اقدام جدی بعمل نیاورده است و چرا دولت در لغای داریسی مسامحه می‌کند (۷۳). سپس در جلسه علنی روز ۱۰ آذر ۱۳۱۱ ش.، مجلس شورای ملی، سیدحسین تقی‌زاده وزیر مالیه لغو امتیاز داریسی را اعلام کرد و حسن استغذایی (محتشم‌السلفته)، خلیل قهوجی (فهییم‌الملک) و علی دشتی نمایندگان مجلس، نطق‌هایی در نایب‌الافدام دولت ایراد کردند. گزارش وزیر مالیه در لغو امتیاز داریسی به اتفاق آرای مورد تصویب قرار گرفت (۷۴).

در ۳ دی ماه ۱۳۱۱ ش به دستور رضاشاه وزارت دربار منحل و تیمورتاش از وزارت دربار برکنار شده، از آن پس او در خانه خورد واقع در بیرون دروازه باغشاه تحت نظر قرار گرفت. بعد از مورد غضب قرار گرفتن تیمورتاش، علی دشتی نماینده مجلس و صاحب امتیاز روزنامه شفق سرخ نیز (پس از علی اکبر داور و سردار اسعد

جلسه ۶ آبان ۱۳۰۶ ش. تصویب کردند به دشتی، شیروانی و امین‌الفتح، نمایندگان مجلس شورای ملی مذکره سیاسی داده شود (۶۷).

دشتی در دوره هفتم مجلس شورای ملی، از ۱۲ مهر ۱۳۰۷ تا آبان ۱۳۰۹ ش برای بار دوم از بوشهر به مجلس راه یافت (۶۸) و در این دوره از ۱۴ مهر ۱۳۰۷ تا ۱۶ آبان ۱۳۰۷ نایب رئیس مجلس بود (۶۹). وی در دوره هشتم، از ۲۴ آذر ۱۳۰۹ تا ۲۴ دی ۱۳۱۱ ش. برای بار سوم از بوشهر به نمایندگی مجلس انتخاب شد (۷۰). دشتی در این دوره طی نطقی در جلسه ۹۸ مجلس شورای ملی در روز سه شنبه ۴ مرداد ۱۳۱۱ ش. ضمن سوال از وزارت مالیه، در اعتراض به قرارداد داریسی، به شرکت نفت انگلیس و ایران دناخت و متذکر شد، رفتار ایران با شرکت مضحک است: در سال ۱۹۳۱م فقط سیصد هزار لیره به دولت ایران پرداخت شده است در حالی که دولت انگلستان از کمیاتی هشتصد هزار لیره مالیات گرفته است. سیدحسین تقی‌زاده، وزیر مالیه در همین جلسه در پاسخ علی دشتی توضیحاتی داد و گذشتگان ایران را مقصر دانست و افزود: «مقادیر قرارداد داریسی در ۳۲ سال قبل ناشی از عدم اطلاع و بصیرت مصادر امور بوده است. متخول مذاکره یا کمپانی هستیم اگر مذاکرات به نتیجه مطلوب نرسید به طریق دیگر برای احقاق حقوق خود توسل می‌جوییم (۷۱). یار دیگر در جلسه صد و شانزدهمین مجلس در تاریخ پنجشنبه سوم

بعثتاری بدون کسب اجازه از شاه به دیدن تیمورتاش رفت، ولی فردای آن روز احضار و مورد خطاب و خطاب قرار گرفت (۷۵).
دشمنی می نویسد: روزی عصر احضار شدم، شاه در مقابل عمارت قدیمی خود قدم می زد سپس که چشمش به من افتاد که تعظیم می کردم با لهجه نیم شوخی نیم جدی فرمودند: خوب حالا دو ساعت با تیمورتاش خلوت می کنی؟ با همه سوابق روشن و اعتمادی که به خصوص نیت من نسبت به خود داشت این برخورد ناگهانی و ناراحت کننده بود. راست است دو یا سه روز قبل به خانه تیمورتاش که نزدیک باشاه بود رفته بودم. علت این بی احتیاطی هم این بود که هنوز معلوم نبود تیمورتاش مورد سوءظن و بی مرحمتی است... (۷۶).

در سال ۱۳۱۳ ش. دولت ترکیه از هیات ایران اتحاد بین المجالس برای شرکت در کنفرانس اسلامبول که در دوم مهر برگزار می شد دعوت بعمل آورد، مجلس نیر علی دشمنی را به همراه هیاتی متشکل از دکتر حسن خان لقمان ادم، میرزا عیسی خان لیفوانی، دکتر عطاء... خان سیمی و میرزا محمودخان ناصر را مامور این کنفرانس کرد چون صدور تذکره سیاسی طبق قسمت پنج از ماده هفدهم دربار هیات مذکور منوط به تصویب هیات وزرا بود. هیات دولت در جلسه ۱۰ شهریور ۱۳۱۳ پیشنهاد وزارت خارجه را تصویب و هیات مذکور به کنفرانس اعزام شد (۷۷).

علی دشمنی در دوره نهم مجلس - از ۲۴ اسفند ۱۳۱۱ تا ۲۲ فروردین ۱۳۱۴ ش که دستگیر شد - تاریخ انقضای مجلس نهم ۲۴ فروردین ۱۳۱۴ ش بود برای بار چهارم از حوزه بوشهر نمایندگی مجلس بود (۷۸).

با کناره گیری دشمنی از کار روزنامه نویسی، شاید جلوی قلم تند و هتاک او گرفته می شد، اما دشمنی نمی توانست جلوی زبان نیش دار خودش را بگیرد (۷۹). او در بیگاه در مجالس خصوصی و در میان دوستان نزدیک خود، مختصر انتقاداتی از کارهای رضاشاه می کرد، گزارشهای بی دربی با شاخ و برگ از زبان درازی دشمنی به شاه می رسید. او نیز روز به روز، خشمش نسبت به دشمنی زیاد می شد (۸۰)، تا این که مورد غضب واقع و دو روز قبل از انقضای مجلس نهم، رضاشاه دستور بازداشت وی و عده ای دیگر را صادر کرد.

دشمنی دستگیر و در ساعت ده روز ۲۲ فروردین ۱۳۱۴ تحویل محبس گردید و حسب الامر رضاشاه فرج... بهرامی (دبیر اعظم)، زین العابدین رهنما و برادرش میرزا رضا تجدد متهمین سیاسی را جداگانه بازداشت و دستور داد تا اطلاع ثانوی آنان جداگانه توقیف و بایکدیگر واحدی حق ملاقات و پیغام به خارج ندارند.

دشمنی قبل از این که بازداشت شود، ناراحتی معده و سوءهاضمه داشت که با افتادن به محبس، بیماری وی شدت گرفت. از این رو نظر به کسالتی که داشتند در تاریخ ۴ خرداد ۱۳۱۴ ش، عرضه ای به ریاست تشکیلات تنظیمه نوشت و تقاضا کرد:

۱- به واسطه ابتلا به سوءهاضمه و غیره اجازه داده شود طبیب معالج (دکتر بالابان) از خارج بیایند و او را معالجه نمایند.
۲ به واسطه نداشتن شخصی برای رسیدگی و تنظیم امورات خود اجازه داده شود یکی از کسان مشارالیه گاهی به ملاقات او بیاید.
۳- اجازه داده شود عریضه برای تقدیم به رضاشاه ارسال دارد.
که مبرر نگردید. با این حال بیماری دشمنی در محبس عود کرد و حتی سهرابی لمستطق آنگه در هفتم خردادماه می خواست از وی استتاق نماید، به واسطه عرضه کسالت و عصبانیت نتوانستند تحقیق (بازجویی) بدهند.

سپس کسالت دشمنی شدت گرفت، بطوری که در روز نهم خرداد به دوستناریا (۸۱) مبتلا و تحت مراقبت و معالجه قرار گرفت، چون معالجه وی در صحنه محبس (درمانگاه زندان) موثر واقع نگردید، حسب الامر نفلن رضاشاه، تحت نظر و مراقبت مامورین اداره تأمینات به مریضخانه نجمیه اعزام و توسط تعدادی از پزشکان مورد معاینه و آزمایشات پزشکی قرار گرفت و طبق پیشنهاد پزشکان معالج، دستور به بستری و ادامه درمان وی داده شد. سپس در ۶ تیر ۱۳۱۴ ش معاون صحنه نظمی از مشارالیه در مریضخانه نامبرده عیادت و با موافقت دشمنی مجدداً دستور به ادامه معالجه وی داده شد.

به دنبال بستری شدن دشمنی، منزلش نیز توسط شعبه اول اداره تأمینات مورد تفتیش قرار گرفت و در ۳ تیر ۱۳۱۴ راپورت (گزارش) ذیل به تشکیلات نظمیته داده شد... راجع به نوشتجات علی دشمنی اشعار می داد، طبق راپورت شعبه اول، نوشتجاتی که مامورین از منزلش بدست آورده اند، تماماً با حضور یرویزخان برادر مشارالیه رسیدگی نموده و آنچه مورد لزوم بود، ظهر آن را اعضاء به دوسیمه ضمیمه گردید. بقیه تماماً مهمور و لاک شده توسط اداره محترم به خود او تسلیم شده است...»

دشمنی در ۱۹ مردادماه از مریضخانه نامه ای به شاه نوشت و تقاضای عفو و بخشش کرد ولی آقا رضاخان سیمی - کفیل اداره آگاهی - طی دستور محرمانه ای بتاريخ ۲۹ شهریورماه از اداره زندان خواست، برای جلوگیری از مکاتبه و مرادده علی دشمنی در مریضخانه با اشخاص دیگر و مراقبت کامل از او علاوه بر مامور قلی، مامور دیگری - بدون لباس فرم - از آن اداره به بیمارستان اعزام دارند. به هر حال به دنبال طولانی شدن دوره درمان و هزینه گزاف مریضخانه، دشمنی تقاضا کرد برای ادامه دوران نقاهت به منزلش انتقال یابد که با موافقت رضاشاه در ساعت چهار و بیست دقیقه روز ۲۴ آبان ماه ۱۳۱۴ ش. به منزلش منتقل و تحت نظر مامورین اداره آگاهی و سرکلانتری بستری گردید (۸۲).

هر چهار نفر که قبلاً ذکرشان رفت تا تاریخ ۱۹ خرداد ۱۳۱۴ ش. در زندان قصر بسر بردند. سپس رهنما و تجدد به عراق و بهرامی نیز به ملازمت تبعید شدند (۸۳). مهدیقلی هادایت (مخبر السلطه) در کتاب

سند مکتوبی در تفتیش منزل

دشمنی

خطرات و خطرات درباره و مسافلتش برای آزادی آنان می نویسد، رهنما، تجدیدپادشاهی بهرامی رئیس اسبق دفتر مخصوص و دشتی به غلشی که نمی دانم توفیق بودند، بارهنا محمود صیتی داشتم، چند ماه هم معاون من بود به خیال من رسیدن نوسازی بکسم، در شرفیابی عرض کردم روی سیاه و سوی سفید تکلیف می آورد و اشخاص بی انتظاری نیستند. رهنما و دشتی و بهرامی اگر نفعی از من می رود در استعدای عضو دارند، به عادتش که شاه دارد و راه می رود در شبانی که بود رفتند و برگشتند و دوسه مرتبه این رفت و آمد واقع شد. آخر فرمودند آنها را بچشمیدم بروند به ولایت خودشان، و منظور رهنما و نجده بود که نوطنا^۱ عرفیند، بهرامی و دشتی هم تباشند، از تهران بروند. عرض کردم اجازه هست امر منو کانه رابه نظمیة ابلاغ کنم؟ فرمودند بلی. ابلاغ کردم و امر رسمی هم صادر شد؛ رهنما و نجده به عراق رفتند، بهرامی و دشتی به پروجرود و بهبهان، در مورد بهرامی فرمودند نمی کشمش (۸۴)؛

همانطور که گفته شد، دشتی در روزهای آخر دوره نهم مجلس شورای ملی، همزمان با بهرامی، رهنما، نجده در اردیبهست ۱۳۱۴ ش به اتهام سیاسی دستگیر و چند ماه در نظمیة و گاهی در مرخصخانه نجمیة یا در منزل بازداشت یا تحت نظر بود که پس از بهبودی به مدت شش ماه به بهبهان تبعید گردید. سپس مورد عفو واقع و به تهران بازگشت (۸۵) و به ریاست «اداره راهمای نامه نگاری» منصوب شد (۸۶).

در دوره رضاشاه کار ماسور مطبوعات از طرف دولت به حدی بالا گرفته بود که بر هیچ کس پوشیده نبود، ولی موضوع رسماً اعلام نشده بود تا این حد که توقع داشتند در مجلس هم لویحی که دولت می آورد بدون کمترین انتقاد و اصلاح و صحبتی تصویب شود. در جلسه ۲۷ دی ماه ۱۳۰۷ ش. دشتی اظهار داشت: چرا ایراد می گیرید که در لویح دولت از جانب اکثریت که فراکسیون ترضی تشکیل داده صحبت ننمود و اظهار مخالفت بعمل نیآورد. ممکن است دولت اشتباه کند. چرا نباید در اطراف لویح دولت مخالفت و صحبت کرد؟ اگر بگویم به صرف این که دولت طرف اعتماد است نباید حرف زد پس برای چه ما به مجلس می آیم. ما فقط یک رای اعتماد بدهیم و برویم خانه مان بچو آیم. دولت هر قانونی را میل دارد خودش وضع کند. واقعاً چیز عجیبی است. شاه می بخشد علیخان نمی بخشد، اعلیحضرت نه و کلا امر می کنند که در فکر و عقیده خود آزاد باشند و هر انتقادی دارند بگویند. آن وقت یک نفر از و کلا معتقد می شود که کسی در اطراف لایحه دولت اظهار نظر نکند. آیا نماینده محترم معتقد است مجلس هم مثل مطبوعات ماسور شود؟ (۸۷).

همانطور که از سطر آخر فحوای کلام دشتی برمی آید، ماسور در مطبوعات قبل از آن نیز وجود داشته است. اما زمانی که رکن الدین مختار به ریاست شهربانی منصوب شد اداره ای به نام «اداره راهمای نامه نگاری» در وزارت کشور تأسیس شد. غرض از تأسیس اداره مزبور طبق نظامنامه «انتظارت در کار مطبوعات» بود که بازتاب فکر ماسور از میان برداشته شود. این اداره گاهی نیز اگر ایجاب می کرد که دولت در پاسخ مقالات منتشره در مطبوعات خارجی علیه

سیاست ایران چیزی بنویسد و به چاپ برساند اقدام می کرد (۸۸). علی دشتی از تاریخ اول مردادماه ۱۳۱۶ ش به ریاست اداره راهمای نامه نگاری منصوب شد (۸۹). به قول جلال آل احمد «دشتی و حجازی که هر دو از دست پروردگان انقلاب مشروطه اند. اولی ماسور ماسور دیکتاتوری شده است و دومی ظاهر سازی های آب و رنگ دار ایران امروزه را چاپ میکند» (۹۰).

و به پیشنهاد وزارت داخله، چون شغل نامه نگاری از مشاغل فنی محسوب می شد با تصویب هیئت دولت در ۳۰ آذر ۱۳۱۶ ش برای وی ۳۵۰۰ ریال حقوق تعیین گردید (۹۱). همچنین همکاران دشتی در اداره راهمای نامه نگاری، عبدالرحمن فرامرزی معاون و ابوالقاسم پاینده مشاور آن اداره بود و یک ماسورچی به نام معرعلیخان از سوی آن اداره به مراکز چاپ مطبوعات سرکشی می کرد (۹۲). علاوه بر افراد مذکور ابوالقاسم شمیم عضو اداره کارآگاهی شهربانی نیز در جلسات اداره راهمای نامه نگاری شرکت می کرد.

دشتی و همکارانش مقالات و نوشته های را از دید ادبی ملاحظه می کردند، ولی ملاحظه نوشته ها و ملاقات از دید سیاسی با ابوالقاسم شمیم بود. دشتی گاهی نیز به اشاره دولت در روزنامه اطلاعات مقالاتی به امضای یکی از نویسندگان، می نوشت و خواننده با توجه به سبک نگارش دشتی به سهولت درمی یافت که آن مقاله نوشته او است.

مقالات جوایز و نوشته های مطبوعات هرگز بایستی بر ضد مصالح روز نوشته می شد با تبلیغ کمونیسم می کرد و یا خلاف مشروطه سلطنتی بود (۹۳).

اداره راهمای نامه نگاری دارای دو مهر بود یکی مهر «رواه» که به اندازه یک بند انگشت بود و در هر مقاله یا نوشته ای که مجاز برای چاپ تشخیص داده می شد می زدند و مهر دیگر «نارواه» به معنی مخالفت یا چاپ مقاله تلقی می شد (۹۴).

دشتی پس از دو دوره دوری از مجلس در دوره دوازدهم از ۳ آبان ۱۳۱۸ تا ۹ آبان ۱۳۲۰ ش. از حوزه انتخابیه دماوند به نمایندگی مجلس انتخاب شد (۹۵) و ریاست «اداره راهمای نامه نگاری» را عبدالرحمن فرامرزی عهده دار گردید (۹۶). فرامرزی درباره همکاریش با دشتی و ریاست خود بر این اداره می نویسد: «من معلم بودم و از کار خود ناراضی نبودم، البته در موقع تشکیلات و ترفیحات تبعیض های زیادی رخ می داد که تا حدی مرا ناراحت می ساخت. در این بین دو قانون گذرانند، یکی قانون دانشگاه و استادان و مرا از هر دو محروم ساختن و چون معتقد بودم که وزیر وقت معذراً این کار کرده به فکر بیرون رفتن از شغل معلمی اقدام. در آن وقت اداره نامه نگاری به جای تبلیغات فنی تأسیس شده و آقای علی دشتی رئیس آن بود، مرا برای کمک خود خواست، وزارت فرهنگ موافقت نکرد او به مقامات عالی تر مناسبت شد و وزارت فرهنگ ناچار موافقت کرد. بعد آقای دشتی رفت و من به جای او متصدی نامه نگاری شدم. بعد پرورش افکار (۹۷) درست شد و پس از آن اداره کل تبلیغات تأسیس یافت و نامه نگاری ضمیمه تبلیغات گشت و چندی نگذشت که متفقین به ایران حمله کردند (۹۸)».

در سبده دم سوم شهریور ۱۳۲۰ ش. قوای نظامی شوروی از شمال و مشرق و قوای انگلیس از جنوب کشور ایران را مورد حمله زمینی، هوایی و دریایی قرار دادند (۹۹) و رضا شاه در ۲۵ شهریور ماه از سلطنت کناره گیری و عازم اصفهان شد. در همین روز جاسه فوق العاده مجلس شورای ملی ساعت ۱۱ صبح تشکیل گردید. محمدعلی فروغی نخست وزیر من استعفانامه رضا شاه و برقراری محمد رضا پهلوی را به تخت در مجلس خواند. علی دشتی رئیس سابق اداره راهنمای نژاد نگاری (سانور) پس از شانزده سال تملق و تعریف (۱۰۰) با واقاحت کامل در صف مدافعان برسر و صدای آزادی و دموکراسی قرار گرفت (۱۰۱). وی در همین جلسه از بیست تریون مجلس دولت فروغی را متوجه کرد که پیش از رفتن رضا شاه از ایران باید به حساب بیست ساله زمامداری او رسیدگی شود (۱۰۲). او در مجلس گفت که حتی باید جیب های رضا شاه را گشت، تا او نتواند جواهرات سلطنتی را از ایران خارج کند (۱۰۳).

همچنین به دنبال آزادی جراید و مطبوعات و رهایی زندانیان سیاسی چون برخی از این قبیل زندانیان هنوز در حبس یا تبعید بسر می برند بی پرونده هاسان در دست رسیدگی بود، کسان آنان از مجلس شورا درخواست

رسیدگی می نمودند و لذا از سوی مجلس به مقامات ذی ربط نوشته می شد تا اقدام بایسته و فوری به عمل آورند.

علی دشتی نیز در این مورد در مجلس گفت: شماری از زندانیان سیاسی هنوز آزاد نشده اند و فقط اشخاصی آزاد شده اند که ۱۲ تا ۸ ماه ترحیم آنها به قی بود. دکتر بهرامی، علوی، کامبخش و خلاصه ۱۱ تا ۱۶ نفر از گروه ۵۳ نفره در زندان بسر می برند و همزون بر این، تعداد کثیری از اهالی خراسان از تبعیدها قصیه اسدی (۱۰۴) و نیز تبعیدی های جنای دیگر در تهران بسر می برند. تبعیدی ها هر هفته یکی دو بار باید به شهر بمانی رفته دفتری را امضا کنند (۱۰۵).

پس از شهریور ۱۳۲۰ احزابی در ایران تشکیل شد که علی دشتی - جمال امامی و ابراهیم خواجه توری در رأس حزب عدالت قرار داشتند (۱۰۶). هات موسسین حزب عدالت پنجاه و چهار نفر بودند که به جز روسای حزب می توان از تعدادی از عناصر برجسته چون امیر احمد مهید، ابوالحسن حائری زاده، دبیر اعظم، دکتر اسماعیل مرزبان و دکتر احمد هومن نام برد.

حزب عدالت مانند سایر احزاب این دوره خواستار یک سئله اصلاحات کلی همچون گسترش آموزش و بهداشت و اصلاحات اداری و... همچنین حضور مستشاران نظامی آمریکا در کشور و مقابله با کمونیسم بود. در میان همه خواسته ها و برنامه ها، استخدام مستشاران آمریکایی و به ویژه مبارزه با حزب توده و خطر کمونیسم از همه مهمتر و لازم الاجرا تر بود و نیز از حضرات جدل امامی به تاریخ ۱۲ اسفند ۱۳۳۴ ش. نشریه خواندنیها تحت عنوان «چگونه وارد سیاست شدیم» یادآور می شود. اساس تشکیل حزب

عدالت برای مبارزه با حزب توده بوده است. از این رو درگیری های متعددی در تهران و شهرستانها میان اعضا و هواداران حزب عدالت با توده ای ها، در طول سالهای ۱۳۲۲ تا ۱۳۲۵ ه. مبارزه وجود داشت و به قول جمال امامی در سال ۱۳۳۴ ش دیگر جز نامی از آن بامی نماند (۱۰۷).

دشتی در دوره سیزدهم از ۲۲ آبان ۱۳۲۰ تا اول آذر ۱۳۲۲ ش برای دومین بار از حوزه انتخابیه دماوند به مجلس راه یافت (۱۰۸). و در دوره چهاردهم از ۶ اسفند ۱۳۲۲ تا ۲۱ اسفند ۱۳۲۴ ش. نماینده تهران در مجلس شورای ملی بود (۱۰۹). مجلس چهاردهم مجموعه ۱۲۸ نماینده داشت این تعداد به شکل زیر در فراکسیونهای مختلف پخش شده بودند.

- ۱- فراکسیون اتحاد ملی ۳۳ نفر، لیبر سید محمد صادق طباطبائی
- ۲- فراکسیون آزادی ۱۱ نفر، لیبر عنی میرزا فرمانفرما
- ۳- فراکسیون حزب توده ۸ نفر، لیبر دکتر فریدون کشاورز
- ۴- فراکسیون مستقل ۱۵ نفر، لیبر علی دشتی
- ۵- فراکسیون دمکرات ۸ نفر، لیبر سید مهدی فرخ
- ۶- فراکسیون مهین ۲۴ نفر، لیبر دکتر طاهری
- ۷- فراکسیون منفردین ۳۰ نفر، لیبر دکتر مصدق

که به مقتضای زمان تعداد اعضای فراکسیونها تغییر می کرد (۱۱۰). بطوری که در سال ۱۳۲۴ ش در مجلس دو دسته تشکیل می شد. یک اقلیت چپلی نفری به رهبری دکتر مصدق و یک اکثریت هفتاد نفری به لیبری طاهری، عنی دشتی و سید ضیاء الدین طباطبائی، که این اکثریت مجلس، محسن صدر (صدرالاشراف) را به نخست وزیری انتخاب کرد (۱۱۱). حتی قبل از این که محسن صدر در ۲۹ اسفند استخفا دهد، در منزل دشتی یا او ملاقات و تا ساعت نه و ربع با دشتی مشغول مذاکره و مشاوره بودند، سپس نخست وزیر دشتی را ترک و استعفای خود را تقدیم شاه کرد ولی شاه دستور داد که تا دو سه روز به کار مشغول باشند تا مجلس نسبت به جانشین وی توافق نظر حاصل نمایند (۱۱۲).

قوام السلطه نیز که از اوایل سال ۱۳۲۴ ش فعالیت خود را برای احراز بیست نخست وزیری مضاعف کرده بود رسماً به تلاش پرداخت. او برای توفیق خود در کار، دوستان نازم ای انتخاب کرد و به بعضی از روزنامه نویس های تندرو و چپ گرا نزدیک شد. در راه قوام برای نخست وزیری سه عامل مخالفت وجود داشت: نخست شاه، سردیدر بولارد و بر مختار انگلیس و عامل سوم مخالفت عده ای از رهبران مجلس بود. سید ضیاء الدین طباطبائی، سید کاظم جنلی، دکتر هادی طاهری و عنی دشتی در رأس مخالفین قوام بودند (۱۱۳). ولی تا این حال قوام پس از استعفای ابراهیم حکیمی، در ۶ بهمن ۱۳۲۴ ش به نخست وزیری انتخاب شد.

دوره چهاردهم مجلس نیز در ۲۱ اسفند ۱۳۲۴ پایان یافت و دشتی مجدداً برای دوره پانزدهم کاندیدای مجلس گردید. در یکی

Dr. Amir A. Javanmard, 1996

از گزارشهای محرمانه شهربانی به تاریخ ۹ اردیبهشت ۱۳۲۵ ش. بیان شده است که «طبق اطلاع حاصله محمد سعیدی معاون سابق وزارت راه که فعلاً مازرس عالی راه آهن است مشغول اقدام برای کاندیدایی اعلیٰ دشتی در دوره پانزدهم می باشد و به روسای راه آهن دستور می دهد که در موقع انتخابات دشتی و امامی را انتخاب کنند» (۱۱۴). ولی دشتی به نمایندگی انتخاب شد.

سیس در ۳۱ اردیبهشت ۱۳۲۵ ش. علی دشتی و عده ای از ملی پانگان طبق ماده ۵ حکومت نظامی بازداشت شدند (۱۱۵) و خبرگزاری پارس اطلاعیه ذیل را به اطلاع عموم رساند: «دیروز بر حسب امر رئیس محترم دولت به علت تحریکات و دسائسی که با نهایت شدت از طرف آقایان علی دشتی، جمال امامی، مالار سعید... نندجی لهر سه از نمایندگان دوره چهاردهم مجلس شورای ملی بودند، ابر علیه حکومت مشروطه و امنیت عمومی بعمل می آمد، طبق ماده ۵ حکومت نظامی نامردگان دستگیر و تحویل شهربانی گردیدند و فعلاً بازداشت می باشند» (۱۱۶). و بعد از دستگیری آنان دولت روزنامه های مخالف چون وظیفه، هوره صدای وطن، ادیب و ندای عدالت را توقیف و دستور بازداشت، مدیران آنها را صادر کرد. ولی به علت منواری شدن و عدم دسترسی به آنها امر بازداشت انجام نگرفت و روزنامه ندای عدالت به مدیریت ابراهیم حواجه نوری که از گان حزب عدالت بود برای همیشه تعطیل شد (۱۱۷). دشتی نیز تا ۱۵ خرداد ماه در زندان بود و از آن به بعد تا ۱۸ مهر در منزل شخصی خود در قلهک توقیف بود (۱۱۸).

در ۱۵ نیرماه ۱۳۲۵ ش. عده ای از اهالی بوشهر طی تلگرافی از قوام (نخست وزیر) استعفاهای آرازی دشتی را نمودند (۱۱۹). اما دشتی در نوزدهم مهر به اروپا رفت و مدت بیست ماه در آن جا به سر برد (۱۲۰). بعد در ۱۵ دی ماه عده ای از فارسیان مقیم مرکز نیز طی تلگرافی به قوام نفاضای بازگشت دشتی از خارج شدند (۱۲۱). ولی تا زمانی که قوام نخست وزیر بود او در اروپا ماند. دولت قوام در ۲۹ آذر ۱۳۲۶ سقوط کرد (۱۲۲) و دشتی نیز در ۱۱ خردادماه ۱۳۲۷ ش. به تهران بازگشت (۱۲۳).

در دوره شانزدهم مجلس با این که دشتی در خارج کشور بود ولی شایعاتی دال بر فعالیت تبلیغاتی برای انتخاب وی از بوشهر در جریان بود (۱۲۴).

علی دشتی در ساعت هشت و چهل و پنج دقیقه روز ۱۱ خرداد ۱۳۲۷ ش. با هواپیمای فرانسوی از فرانسه وارد فرودگاه قلعه مرغی شد. طبق گزارشهای محرمانه شهربانی، برای استقبال از علی دشتی جمعیت زیادی گرد آمده بودند و جمال امامی قریب ۱۰۰ اتوبوس و پنجاه اتومبیل سواری با عده زیادی از اعضای حزب عدالت و وابستگان حزب را به میدان فرودگاه آورده بود. در میان مستقبین عده ای از وکلای مجلس مخصوصاً وکلای آذربایجان و یک عده از مدیران جراید و جمعی از روسای ادارات و بازرگانان نیز حضور داشتند. حتی در بین دستجات مستقبین شایع بوده است که آمدن دشتی تا سیاست روز ارتباط دارد. دربار او را تقویت کرده و نخست وزیر خواهد شد (۱۲۵). دشتی نیز در میان استقبال و ابراز

احساسات فوق العاده به سوی شهر حرکت کرد (۱۲۶). در میدان فردوسی موقعی که مستقبین با مرکب شاه که از قصر قاجار مراجعت می کردند تلافی کردند. در حالی که فریاد می زدند «زنده باد دشتی و حزب عدالت» جمال امامی به محض مشاهده ماشین حامل شاه هوراکنید (۱۲۷) بعد از ورود دشتی برادران خوبی (عبدالعلی، جمال، نورالدین و جواد امامی خوبی) و خواجه نوری ها برای تخت وزیری علی دشتی فعالیت زیادی کردند (۱۲۸). که با مخالفت شدید حزب توده مواجه شد (۱۲۹).

دشتی در ۳ آبان ۱۳۲۷ ش. به سفارت ایران در مصر منصوب گردید (۱۳۰) و تا فروردین ۱۳۲۰ در این سمت بود (۱۳۱). پس از ترور رزم آرا (نخست وزیر) در روز چهارشنبه ۱۶ اسفند ۱۳۲۹ ش. حسین علاء مامور تشکیل کابینه گردید. وی در روز سه شنبه ۲۹ اسفند ۱۳۲۹ ش. وزیرانش را انتخاب (۱۳۲) و بعد از انجام تشریفات عید نوروز در روز ۱۸ فروردین ۱۳۳۰ ش. برابر ۲ رجب ۱۳۷۰ قمری به مجلس معرفی کرد. علی دشتی در کابینه حسین علاء وزیر مشاور بود.

کابینه علاء به سبب آشفتگی اوضاع عمومی کشور و تسخ حاصل از بحث های پیچیده درباره ملی شدن صنعت نفت، دیری نپایید و در ۱۲ اردیبهشت ۱۳۳۰ ش. برابر ۲۵ رجب ۱۳۷۰ قمری ساقط شد (۱۳۳).

دشتی در همه ادوار مجلس سنا، سناتور انتخابی با انتصابی بود او در دوره اول (۱۳۴) به عنوان سناتور انتصابی کرمان به مجلس سنا راه یافت. در ذیل اخبار روز چهارشنبه ۲۰ فروردین ۱۳۳۱ ش. روزنامه اطلاعات مسطور است. دشتی به سناتوری انتصابی کرمان انتخاب [منصوب] گشت. بر طبق فرمان صادره از طرف اعلیحضرت آقای دشتی سفیر کبیر سابق ایران در مصر به سمت سناتور انتصابی کرمان معین گشتند. سناتور انتصابی کرمان در آغاز افتتاح مجلس آقای ابتهاج السلطان مخوی بود پس از فوت او کرسی سناتور انتصابی کرمان خالی مانده بود (۱۳۵). و پس از آن در دوره های دیگر نیز - در دوره دوم از ۲۷ اسفند ۱۳۳۲ تا ۲۵ اسفند

۱۳۳۸ ش. سناتور انتخابی از تهران (۱۳۶). دوره سوم از ۳ فروردین ۱۳۳۹ تا ۱۹ اردیبهشت ۱۳۴۰ ش. [در تاریخ ۱۹ اردیبهشت ۱۳۴۰ ش. مجلسین سنا و شورای ملی به فرمان شاه منحل شدند. ۱ سناتور انتخابی تهران بود (۱۳۷). بعد از دوره سوم سنا، از بهمن ۱۳۴۱ تا آذر ۱۳۴۲ ش. - سمر ایران در زندان بود (۱۳۸).

دشتی در دوره های بعد مجلس سنا، سناتور انتصابی تهران بود. وی در دوره چهارم از ۱۴ مهر ۱۳۴۲ تا ۱۲ مهر ۱۳۴۶ ش. (۱۳۹). در دوره پنجم از ۱۴ مهر ۱۳۴۶ تا ۹ شهریور ۱۳۵۰ ش. بموجب فرمان شاه مورخ ۲۴ مرداد ۱۳۵۰ ش. مجلسین سنا و شورای ملی از ۹ شهریور ۱۳۵۰ ش. منحل شدند (۱۴۰). در این منصب بود.

در پنجم مرداد ۱۳۴۷ ش. فرمان ناسیس بنیاد شاهنشاهی فرهنگستانهای ایران صادر شد (۱۴۱). پهلبد وزیر فرهنگ و هنر در

۱۷ اسفند ۱۳۴۷ طی نامه ای به وزیر آموزش و پرورش (فرخ رو

- چشمان او، تهران: جاویدان، (بی تا)، سری، رقمی، ۳۱۹ ص، ضمن فتنه و غیره (۱۵۳).
- در دیار صوفیان (دنباله پرده پندار). تهران: جاویدان، ۱۳۵۴، ۶۲۴ ص (۱۵۴) (غلامحسین رضائزاد، سی و هفت مقاله در نقد کتاب، اردیبهار صوفیان، نوشته است (۱۵۵)).
- دفتر ششم، تهران: جاویدان، (بی تا)، سری، رقمی، ۳۱۹، ضمن فتنه و غیره.

- دمی یا خیم، تهران: امیرکبیر، ۱۳۴۴ ش، سری، رقمی، ۳۲۵ ص.
- تهران: امیرکبیر، ۱۳۴۸ ش، سری، رقمی، ۳۷۹ ص
[چاپ دوم (۱۵۶)] این کتاب رال. بی. ال. ال. ساتن به انگلیسی ترجمه و در سال ۱۹۷۱ م. در لندن چاپ کرده است (۱۵۷).
- دو شب بر ساحل مینائی تنگ، تهران: (بی تا)، (بی تا)، سری، ضمیمه هندو، ۲۲۷ ص.

تهران: امیرکبیر، (بی تا)، سری، ضمیمه هندو، ۲۸۰ ص [چاپ دوم]
- دو نامه، تهران: جاویدان، (بی تا)، سری، رقمی، ۳۱۹، ضمن فتنه و غیره [چاپ هفتم]

- سایه، تهران: ابن سینا، ۱۳۲۵ ش، سری، رقمی، ۱۷۲ ص [چاپ اول]

تهران: ابن سینا، ۱۳۲۷ ش، سری، رقمی، ۴۱۰ ص [چاپ سوم]
- تهران: روزنامه کیهان، ۱۳۴۹ ش، رقمی، ۳۸۰ ص [چاپ چهارم]

- سکوت و نگاه نو، تهران: جاویدان، (بی تا)، سری، رقمی، ۳۱۹، ضمن فتنه و غیره [چاپ هفتم]
- سیری در دیوان شمس، تهران: ابن سینا، ۱۳۳۷ ش، سری، رقمی، ۲۲۴ ص.

- تهران: انتشارات محمدحسن علمی، ۱۳۴۳ ش، سری، ۱۲+۳۱۶ ص [چاپ دوم]

- تهران: انتشارات جاویدان، ۱۳۴۷ ش، سری، وزیر، ۳۱۵ ص [چاپ سوم]
- شاعری دیر آشنا (سیری در دیوان خاقانی)، تهران: امیرکبیر، ۱۳۴۰ ش، سری، رقمی، ۲۲۴ ص.

- فتنه (مجموعه یازده داستان، فتنه، ماجرای آن شب، دو نامه، دفتر ششم، مرگ مادر، آخرین ملجاء، سکوت و نگاه نو، اعصاب مریض، آخرین نامه، چشمان او، نامه یک زن)، تهران: (بی تا)، ۱۳۳۲ ش، سری، رقمی، ۲۸۴ ص [چاپ دوم]

تهران: (بی تا)، ۱۳۳۲ ش، سری، رقمی، ۲۹۲ ص [چاپ سوم]
تهران: انتشارات معرفت، ۱۳۳۴ ش، سری، رقمی، ۳۰۷ ص [چاپ پنجم]

تهران: (بی تا)، ۱۳۳۷ ش، سری، رقمی، ۳۳۳ ص [چاپ ششم]
تهران: انتشارات محمدحسن علمی، ۱۳۴۴ ش، سری، رقمی، ۳۴۸ ص

تهران: انتشارات جاویدان، ۱۳۴۷ ش، سری، رقمی، ۳۱۹ ص [چاپ هفتم]

پارسی اتفاقاً کرد که چون تجدید فعالیت «فرهنگان زبان ایران» و «فرهنگان هنر و ادب» آغاز شده است، اعضای فرهنگستانها را در دو صورت جداگانه که صلاحیت عضویت در فرهنگستانهای فوق را دارند تهیه و ارسال دارد. سپس وزیر آموزش و پرورش در ۱۶ فروردین ۱۳۴۸ ش دو لیست از افراد صلاحیتدار تهیه کرده به وزارت فرهنگ و هنر ارسال کرد. که نام علی دشتی در لیست اعضای صلاحیتدار فرهنگان زبان ایران بود (۱۶۲). نخستین شورای این فرهنگان در ۲۳ آبان ۱۳۴۹ ش. در وزارت فرهنگ و هنر تشکیل شد (۱۶۳).

دشتی در دوره ششم مجلس سنا از ۹ شهریور ۱۳۵۰ تا ۱۶ شهریور ۱۳۵۴ ش. سناتور انتصابی تهران (۱۶۴)، و در دوره هفتم - آخرین دوره سنا - از ۱۷ شهریور ۱۳۵۴ تا پیروزی انقلاب اسلامی (۱۳۵۷ ش.) سناتور انتصابی تهران بود (۱۶۵).

علی دشتی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی دو روز دوشنبه ۲۰ فروردین ۱۳۵۸ ش. از سوی پاسداران کمیته انقلاب اسلامی دستگیر (۱۶۶) و به مدت یک ماه بازداشت و زندانی شد (۱۶۷) و سرانجام در ۲۶ دی ماه ۱۳۶۰ ش. در بیمارستان جم درگذشت (۱۶۸).

تالیفات و ترجمه های علی دشتی

تالیفات فارسی

آخرین ملجاء، تهران: جاویدان، ۱۳۱۹ ش، ضمن فتنه و غیره، سری، رقمی، چاپ هفتم، ۳۱۹ ص.

- آخرین نامه، تهران: جاویدان (بی تا)، ضمن فتنه و غیره، سری، رقمی، چاپ هفتم، ۳۱۹ ص.

- اعصاب مریض، تهران: جاویدان، (بی تا)، ضمن فتنه و غیره، سری، رقمی، چاپ هفتم، ۳۱۹ ص.

- ایام محبس، تهران: (بی تا)، ۱۳۰۱ ش، سری، رقمی، ۱۹۶ ص.
تهران: (بی تا)، ۱۳۰۲ ش، سری، رقمی، ۱۹۶ ص.

- تهران: جیبی، ۱۳۱۳ ش، سری، رقمی، ۲۷۵ ص [چاپ دوم]
- تهران: صفی علیشاه، (بی تا)، ۱۳۱۳ ش، ۲۷۶ ص [چاپ سوم]

- تهران: (بی تا)، ۱۳۲۷ ش، سری، رقمی، ۲۷۸ ص [چاپ چهارم]
تهران: ابن سینا، ۱۳۳۹ ش، سری، رقمی، ۲۹۴ ص
[چاپ پنجم (۱۶۹)]

- بوده پندار، تهران: شرکت سهامی ایران چاپ، ۱۳۵۳ ش، ۱۹۱ ص
[قبل از چاپ کتاب، بصورت مقاله در ۱۲ شماره متوالی روزنامه اطلاعات (چهارشنبه ۱۸ تا سه شنبه ۳۱ اردیبهشت ۱۳۵۴ قمری (۱۵۰)) و بخش دوم نیز در روزنامه اطلاعات شنبه ۱۶ تا پنجشنبه ۱۸ اردیبهشت ۱۳۵۴ ش منتشر شد (۱۵۱)].

- پنجاه و پنج، تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۴ ش، ۲۵۰ ص.
- تهران: امیرکبیر، ۲۵۳۵-۱۳۵۵ ش.، ۲۵۰ ص [چاپ دوم (۱۵۲)]

جادو (مجموعه سه داستان جادو، شبی از پاریس، پلنگ)، تهران: ۱۳۳۰ ش، سری، رقمی، ۲۴۸ ص.

- تهران: ابن سینا، ۱۳۳۴ ش، رقمی، ۲۷۴ ص [چاپ سوم] (با پاریس، پلنگ، دلیل محکمه پسند در یک جلد).

- فلرسو سعدی، تهران: [این نا، ۱۳۳۴، سری، رقی، ۴۴۰ ص
 - تهران: [این نا، ۱۳۳۸، سری، رقی، ۴۴۰ ص
 - تهران: ابن سینا، ۱۳۳۹ ش، سری، رقی، ۴۰۸ ص [چاپ دوم]
 - ماجرای آن شب، تهران: انتشارات جاویدان، [این نا، سری، رقی،
 ۳۱۹ ص، ضمن فته [چاپ هفتم]
 - مرگ مادر، تهران: انتشارات جاویدان، ۱۳۶۹ ش، سری، رقی،
 ضمن فته و غیره.
 - نقشی از حافظ، تهران: [این نا، ۱۳۳۶ ش، سری، رقی، ۲۳۲ ص
 - تهران: [این نا، ۱۳۳۷ ش، سری، رقی، ۳۴۷ ص [چاپ دوم]
 تهران: [این نا، ۱۳۳۹ ش، سری، رقی، ۸+۳۴۷ ص [چاپ سوم]
 - تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۴۳ ش، سری، رقی،
 ۳۸۴ ص [چاپ چهارم]
 - تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۴۹ ش، سری، رقی،
 ۳۳۴ ص [چاپ پنجم]
 - هندو (با دوشب بر ساحل مینایی در یک جلد)، تهران: ابن سینا،
 [این نا،
 سری، رقی، ۲۲۷ ص، [چاپ چهارم]
 - تهران: امیرکبیر،
 ۱۳۴۴ ش، سری، ۲۷۹ ص [چاپ دوم (۱۵۸)]

کتابهای ترجمه علی دشتی

- اسماعیلز، ساموئیل (۱۸۱۲) - ۱۹۰۴م، اعتماد بنفس، (Selfhelp)،
 ترجمه علی دشتی از عربی، تهران: مطبعه قشون، ۱۳۰۵ ش، سری،
 رقی، ۲۲۳ ص (۱۵۹)
 تهران: [این نا، ۱۳۰۸ ش، سری، وزیر، ۱۸۴ ص [چاپ دوم]
 تهران: [این نا، ۱۳۱۲ ش، سری، رقی، ۲۲۴ ص [چاپ سوم]
 تهران: [این نا، [این نا، سری، رقی، ۳۰۶ ص،
 تهران: [این نا، ۱۳۲۷ ش، سری، رقی، ۲۲۹ ص [چاپ پنجم]
 تهران: ابن سینا، ۱۳۳۷ ش، سری، رقی، ۲۳۶ ص [چاپ ششم]
 تهران: انتشارات محمدحسن علمی - فخررازی، ۱۳۴۳ ش،
 سری، رقی، ۲۴۷ ص [چاپ هفتم]
 تهران: انتشارات جاویدان و علمی، [این نا، سری، ۲۵۰ ص
 [چاپ هشتم]
 تهران: انتشارات جاویدان ۲۵۳۶، ۲۴۶ ص
 [چاپ دوازدهم (۱۶۰)]
 - گوستاو لوبون، نوامیس روحیه تطور ملل، ترجمه احمد فتحی
 رخلول پاشا، به عربی (بنام سیر تطور الامم)، ترجمه علی دشتی از
 عربی به فارسی، تهران: مطبعه قشون، ۱۳۰۲ ش، سری، رقی، ۲۳۶
 ص (۱۶۱)
 تهران: ابن سینا، ۱۳۳۳ ش، رقی، ۲۳۹ ص (۱۶۲)
 درباره چاپ دو کتاب فوق در ضمن خاطرات رضاشاه در
 «سفرنامه مازندران» نوشته شده،
 دکتر گوستاو لوبون، طیب و فیلسوف معروف فرانسوی، راجع

به تطورات و تبدلات ملل، شرح زیبایی دارد، که دشتی مدیر حویده
 شفق سرخ، آن را از عربی ترجمه کرده است، و بهرامی رئیس دفتر
 مخصوص من، آن را چندی قبل به نظر من رسانید، من دستور دادم
 که خود مشارالیه از طرف من، ماموریت طبع آن را برعهده بگیرد و
 در مطبعه قشون، یا مخارج من آن را طبع نماید. مشارالیه نیز این
 ماموریت را انجام، و کتاب مزبور را با کتاب دیگری موسوم به «اعتماد
 بنفس» که باز ترجمه آن مدیون زحمات دشتی است، طبع و منتشر
 ساخت.

دکتر گوستاو لوبون در تالیف کتاب خود شمار دقیق فکر کرده
 ولی در این قرینه های تاریخی بسیار است که سر ارتقاء و انحطاط
 ایران را می توانند واضح تر سازند، و در صورت فرصت و محال امید
 که بحث در این موضوع سروک نمایند.... (۱۶۳)

مقاله ها

- علاوه بر مقاله هایی که با نام مستعار نوشته (۱۶۴)
 - ابلیس در کسوت حکمت و عرفان، یغما، سال ۲۶، ش ۱۰ (دی
 ۱۳۵۲ ش)، ص ۵۷۳ - ۵۷۸.
 - احادیث نبوی، یغما، سال ۲۸، ش ۵ (مرداد ۱۳۵۴ ش)، ص ۲۵۷
 - (۱۶۵) ۲۶۱.
 - اسدآبادی یا اسعدآبادی، وحید، ش. ۸۰ (۱۳۴۹ ش) ص ۲۸۴
 - (۱۶۶) ۲۸۸.
 - اعدام مجرمین ضروری است، سالنامه دنیا، سال ۲۱ (۱۳۴۴
 ش)، ص ۳۲۰ - (۱۶۷) ۳۲۱.
 - اندیشه و شعر، یغما، سال ۲۴، ش ۱۲ (اسفند ۱۳۵۰ ش)، ص ۷۱۰
 - ۷۱۳.
 - اندیشه های درباره شعر نو، اطلاعات ماهیانه، ج ۷، ش ۱۲، ص
 ۶ - ۸ و ۵۰.
 - همان، سایه، ص ۹۲ - (۱۶۸) ۱۰۷.
 - بغداد، یغما، سال ۲۹ (آذر ۱۳۲۷ ش) ص ۴۱۳ - (۱۶۹) ۴۱۴.
 - تالیان سیاستمدار معروف فرانسه، سالنامه دنیا، سال ۱۱ (۱۳۳۴
 ش) ص ۸۱ - (۱۷۰) ۸۴.
 - ترس، یغما، سال ۸، ش ۱ (فروردین ۱۳۳۴ ش) ص ۱۱ - (۱۷۱) ۱۲.
 - جبر یا اختیار، بحثی میان حاج ملاسلطانعلی گنابادی و شیخ
 عامعلی کیوان قزوینی، وحید، ش ۹، (۱۳۵۰) ص ۱۰۰۴ - ۱۰۱۰ و ۱۲۵۴
 - (۱۷۲) ۱۲۷۸.
 - چگونگی ملازمه معانی با الفاظ در سخن خواجه، حافظ
 شناسی، ش ۲، (۱۳۶۴ ش)، ص ۷ - ۲۳.
 - حافظ رنج من بود، ایران نامه، ش ۲، (۱۳۶۴ ش) ص ۳۴۰ -
 (۱۷۳) ۳۴۶.
 - حافظ فرزند، وحید، ش ۹، (۱۳۵۰ ش) ص ۱۸۲ - ۱۸۹.
 - درباره حافظ، مورج، ج ۱، (۱۳۵۰ ش) ص ۱ - (۱۷۴) ۸.
 - درباره دکتر یوسف میر، نامواره دکتر محمود افشار، ج ۴، تهران،
 ۱۳۶۷ ش، ص ۲۱۷۷ - (۱۷۵) ۲۱۷۹.
 - در هفت روز هفته، سخن، دوره ششم، ش ۷ (شهریور ۱۳۳۴

ش) ص ۶۲۷- (۱۷۶) ۶۳۰.
 - دکتر یوسف میر، راهنمای کتاب، سال ۱۱ (۱۳۴۷) ص ۲۰۱-۲۰۳.
 رباعیات اصیل مولانا، راهنمای کتاب، سال ۱۴ (۱۳۵۰) ص ۴۸۵-۴۸۹ (۱۷۷).
 - زیباترین شهر جهان، سخن، دوره پنجم، ش ۳ (اسفند ۱۳۳۲) ص ۱۷۱ (۱۷۸).
 - سرنوشت، یغما، سال ۱۰، ش ۷ (مهر ۱۳۳۶) ص ۲۸۹-۲۹۲ (۱۷۹).
 - سعدی در منطقه فکر و عقیده، کاوه، ش ۷۷ (دی ۱۳۶۳) ص ۸۹ (۱۸۰).
 - سیری در دیوان شمس، یغما، سال ۱۰، ش ۲ (اردیبهشت ۱۳۳۶) ص ۴۹-۵۷.
 - همان، یادنامه مولوی ص ۶۹-۹۳.
 - همان، ش ۳ (خرداد ۱۳۳۶) ص ۹۷-۱۰۴.
 - شاعری دیر آشنا، یغما، سال ۱۴، ش ۱۲ (اسفند ۱۳۴۰) ص ۵۳۲-۵۳۵.

ترجمه مقاله
 - واصل، پروانه، آزادی فرد، ترجمه علی دشتی، یغما، سال ۲۶، ش ۵ (مرداد ۱۳۵۲) ص ۲۶۵ (۱۹۶).

پانویس ها:
 ۱- نمونه امضاء اعضای هیات دولت بین سالهای ۱۲۹۹ تا ۱۳۳۲ شمس در آینده نزدیک به صورت چند جلد کتاب توسط سازمان اسناد ملی ایران منتشر و در اختیار علاقه مندان قرار خواهد گرفت.
 ۲- علت انتخاب فاضل دشتی انتخاب او به منطقه دشتستان است که زادگاه اجداد وی بوده است.
 ۳- مجله وحید، خاطر ها و خبرها، مجله وحید، دوره سیزدهم، شماره ۱۱، ص ۱۰۹.
 ۴- صفایی، ابراهیم. چهل خاطره از چهل سال، مقاله آشنی با دشتی، تهران، انتشارات علمی، ۱۳۷۳ ش. ص ۲۲۱.
 ۵- کتاب چهارم، طبعات معاصر، تاریخ تولد علی دشتی و اسامی ۱۲۷۶ ش. نوشته است و کتاب اثر آفرینان (زندگینامه نام آوران فرهنگ ایران از آغاز تا سال ۱۳۰۰ ش) تولد وی را در بین سالهای ۱۲۷۳ و ۱۲۷۴ ش. نوشته چهارم، مطبوعات معاصر، با مقدمه غلامحسین صالحیار، تهران، انتشارات پرس اجنت، تاریخ مقدمه ۱۳۵۱ ش. ص ۱۹.
 ۶- محدث، حسن و حبیب عباسی، اثر آفرینان (زندگینامه نام آوران فرهنگ ایران از آغاز تا سال ۱۳۰۰ ش)، زیر نظر دکتر سید کمال حاج جوادی با همکاری دکتر عبدالحسین نوایی، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی ایران، ۱۳۷۸ ش. ص ۹۰.
 ۷- آیین پور، یحیی، از نیما تا روزگار ما، ج ۳، تهران: انتشارات زوار، ۱۳۷۷ ش. ص ۳۱۸.
 ۸- همان، ص ۳۱۸.
 ۹- آیین پور، یحیی، همان، ص ۳۱۸.
 ۱۰- منیخ الاسلام، حواد، اسناد محرمانه وزارت خارجه بریتانیا با قرار داد ۱۹۱۹ ایران - انگلیس، ج اول، تهران: انتشارات کیهان، ۱۳۶۸ ش. چاپ دوم، ص ۱۱۰.
 ۱۱- آیین پور، یحیی، همان، ص ۳۱۸.
 ۱۲- روز، علیرضا، قمر ملائی، علی دشتی سابق پس کوچه های دیار عشق، روزنامه رستاخیز، شماره ۵۰۴، ۱۲ اردیبهشت ۱۳۵۶ ش. ص ۱۱.
 ۱۳- آیین پور، یحیی، همان، ص ۳۱۸.
 ۱۴- مجله وحید، علی دشتی، همان، ص ۳.
 ۱۵- بهزادی، علی، شبه خاطرات، ج اول، تهران: انتشارات زرین، ۱۳۴۶ ش. چاپ سوم، ص ۲۱۵.
 ۱۶- مجله وحید، علی دشتی، همان، ص ۳.
 ۱۷- خواجه نوری، ابراهیم، بازیگران عصر طلایی، تهران: انتشارات کتابهای جیبی،

۱- شاهنامه، یغما، سال ۲۶، ش ۵ (مرداد ۱۳۵۲) ص ۲۵۷-۲۶۵ (۱۸۱).
 - شعر همی، راهنمای کتاب، سال ۱۱ (۱۳۴۷) ص ۴۹۵-۴۹۱.
 - شیوه سخن حافظ، ارمغان، ش ۴۰ (۱۳۵۰) ص ۱-۸ (۱۸۲).
 - ضعف تاثیر قوانین، یغما، سال ۱، ش ۸ (آبان ۱۳۲۷) ص ۳۳۷-۳۴۷.
 - غوغای امبال، یغما، سال ۹، شماره ۲ (اردیبهشت ۱۳۳۵) ص ۵۸ (۱۸۳).
 - فردوسی با حافظ، سایه، ص ۴۴ (۱۸۴) ۶۳.
 - قالب شعری، یغما، سال ۲۷، ش ۴ (تیر ۱۳۵۳) ص ۱۹۶ (۱۸۵).
 - قرارداد سن زرمس، سائنامه دنیا، سال ۲۸ (۱۳۵۱) ش ۰، ص ۳۸۸ (۱۸۶).
 - کرامت، یغما، سال ۲۷، ش ۲ (اردیبهشت ۱۳۵۳) ص ۹۱.
 - گزاشتی انسانی در ادب ایران، یغما، سال ۲۴، ش ۱۲ (اسفند ۱۳۵۰) ص ۷۱۴-۷۲۰ (۱۸۷).
 - گلستان سعدی، راهنمای کتاب، سال ۲، ص ۵۲۹-۵۳۳ (۱۸۸).
 - میدا، و معاد از نظر خیام، ایران نامه، شماره ۵۰ (۱۳۶۶) ش ۰، ص ۵۱۰-۵۱۵ (۱۸۹).
 - محقق اصفهانی، یغما، سال ۲۴، ش ۱۱ (بهمن ۱۳۴۹) ص ۶۲۳.
 - محی الدین بن العربی، یغما، سال ۳۰، ش ۹ (آذر ۱۳۵۶) ص ۵۱۳ (۱۹۰).
 - مد جدید نویسندگی، سایه، ص ۶۴-۷۷.
 - همان، مهر، ش ۱، ص ۴۸۱-۴۹۰.
 - میان پیغمبرها جرجیس، آینده، ش ۱، ص ۵۱۳-۵۲۳.
 - میان پیغمبرها جرجیس، (در باره قاضی)، سایه، ص ۷۸-۹۱ (۱۹۱).

- ۱۳۳۱ش، چاپ دوم، ص ۱۶۹.
- ۱۷- مجله و جید، علی دشتی، همان، ص ۳.
- ۱۸- زمین: سرپای نوری در پیرو، دبیر خانه فرهنگستان زبان و ادب فارسی، وازه های نو، تهران، دبیر خانه فرهنگستان، ۱۳۱۹ش، ص ۸۱.
- ۱۹- دشتی، علی، ایام محبس، تهران: انتشارات صفی علیشاه، این ناچاپ چهارم، ص ۱۶۸، به بعد.
- ۲۰- بهزادی، علی، همان، ص ۱۱۵.
- ۲۱- مجله رحید، علی دشتی، همان، ص ۴.
- ۲۲- آرزین پور، محسن، همان، ص ۲۱۸.
- ۲۳- مرسته و جید، علی دشتی، همان، ص ۴.
- ۲۴- بهزادی، علی، همان، ص ۲۱۵.
- ۲۵- احتشاشی، ابوالحسن، بازنگران سیاست، تهران: نگاه مطبوعاتی امروز، ۱۳۶۸ش، ص ۸۱.
- ۲۶- بهزادی، علی، همان، ص ۲۱۶.
- ۲۷- همان، ص ۲۱۶.
- ۲۸- بهار، محمدتقی (ملک المذکر)، تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران، ج ۲، تهران: انتشارات امر کبیر، ۱۳۷۱ش، چاپ دوم، ص ۱۹.
- ۲۹- دشتی، علی، ایام محبس، همان، ص ۱۱۶۹.
- ۳۰- آرزین پور، یحیی، همان، ص ۳۱۹.
- ۳۱- این کتاب انتشارات سال ۱۳۰۱ش چاپ شد و پنج سوم با مقدمه متفق همدانی در سال ۱۳۳۷ش و چاپ چهارم بعداً به طبع رسید.
- دشتی، علی، ایام محبس، همان، مقدمه ص ۸۵۲.
- ۳۲- مجله و جید، علی دشتی، همان، ص ۳.
- ۳۳- روزنامه سیاسی، لوگان تشکلات دموکراتهای ضدتکلیفی و هوخواه جمهوری، صاحب امتیازان حسین صبا منقلب به کمال السلطان و سردبیر روزنامه علی دشتی بود.
- برزین، مسعود، شناسنامه مطبوعات ایران از ۱۳۱۵ تا ۱۳۵۷ش، تهران: انتشارات بهجت، ۱۳۷۱ش، ص ۳۳۶، ۳۳۷.
- ۳۴- آرزین پور، یحیی، همان، ص ۳۱۹.
- ۳۵- صدر هاشمی، محمد، تاریخ جراید و مجلات ایران، ج ۳، اصفهان: انتشارات کمالی، ص ۷۵.
- ۳۶- در سال ۱۳۱۲ مدتی در تهران ۵۰ روز در شهر سنهها ۶ شاهی بود.
- ۳۷- اسفندیاری، شهین و علی طرزی، جلال مساوات، باقر موسوی، مطبوعات ایران (فهرست تحلیلی کتابخانه مجلسی سنه) تهران: موسسه تحقیقات و برنامه ریزی علمی و آموزشی مرکز مدارک علمی، ۱۳۵۸ش، ص ۱۳۵-۱۳۶.
- ۳۸- میرزابدلی، خال مایل نویسرکان، پس از آن که دشتی از کار روزنامه شفق سرخ کناره گرفت، مایل نویسرکانی که دیپلمات دوسال سردبیری روزنامه بومه سنه ایران را عهده دار بود، شفق سرخ را عهده دار گردید و مدت چند سال روزنامه به مدبری مایل بود منتشر می شد. مایل که به تحصیلات قدیم و جدید و زبان فرانسه و عربی آشنا بود پیشتر عمر خود را در فرهنگ گذرانیده و من جمله مدرسه ملی نویسرکانی از کارهای فرهنگی ایشان است. قریب سه سال (مدرسه اتحاد ایرانیان یادگوبه آرا اداره می کرد در حدود متجاوز از سه سال: ریاست معارف ایرانی مازندران را داشته سپس به ریاست معارف آسنه آبه و صحرا منصوب گردید، پس از وقایع شهریرو: نیز چندی فرهنگ کرمان را عهده دار بود و زمانی هم در اداره گل نگارش روانت فرهنگ کار می کرد تا بالاخره در تیرماه ۱۳۲۹ش، دو تهران زندگانی را به ودگفت. مایل علاوه بر نویسندگی شاعری زبردست بود و اشعار او در مجلات مختلف به طبع رسیده است.
- صدر هاشمی، محمد، همان، ص ۸۰، ۸۹.
- ۳۹- صفایی، ابراهیم، چهل خاطره از چهل سال، همان، ص ۲۲۲.
- ۴۰- صدر هاشمی، محمد، همان، ص ۷۵.
- ۴۱- اسفندیاری، شهین و...، همان، ص ۳۳۵.
- ۴۲- نویسندگانی مطبوعات ایران، چاپ آخرین شماره روزنامه شفق سرخ رازور ۳۰ اسفند ۱۳۶۳ش، نوشته اند.
- اسفندیاری، شهین و...، همان، ص ۳۳۵.
- ۴۳- هزار روز تاریخ ایران و جهان، روزنامه اطلاعات، چاپ دوم، ص ۲۶۱.
- ۴۴- احتشاشی، ابوالحسن، همان، ص ۸۱.
- ۴۵- روزنامه عصر انقلاب، نوع و روش آن، سیاسی، اجتماعی و خبری به صاحب امیازی میرزا آقا فریور همدانی و نامداری به مدبری خودشان و بعد به مدبری
- سردبیری علی دشتی در تهران منتشر می شد و در زمان توقیف شفق سرخ شماره های که ذکر شده جای شفق سرخ منتشر شد.
- قاسمی، سیدفرید، راهنمای مطبوعات ایران عصر قاجار، ۱۲۵۲ش، ص ۱۳۱۵، ۱۳۰۲ش، ص ۱، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه ها، ۱۳۷۲ش، ص ۱۷۹.
- و برزین، مسعود، همان، ص ۲۱۶.
- ۴۶- روزنامه عهد انقلاب، هفته نامه سیاسی و ادبی - صاحب امتیاز آقاخان رزور همدانی، پس از توقیف عصر انقلاب منتشر شد.
- برزین، مسعود، همان، ص ۲۹۸.
- ۴۷- روزی، علیرضا، همان، ص ۱۲.
- ۴۸- اسفندیاری، شهین و...، همان، ص ۳۳۵.
- ۴۹- روزی، علیرضا، همان، ص ۱۲.
- ۵۰- هواچه نوری، ابراهیم، همان، ص ۱۷۱.
- ۵۱- برزین، مسعود، همان، ص ۲۲۷.
- ۵۲- بهزادی، علی، همان، ص ۲۱۷.
- ۵۳- صفایی، ابراهیم، چهل خاطره از چهل سال، همان، ص ۱۷۲-۱۷۳.
- ۵۴- علی دشتی در ۱۹ فروردین ۱۳۰۴ش نیز مقاله تند و کوبنده ای علیه دربار و مخالفین تحت عنوان (هدر وطن رفت) در روزنامه شفق سرخ منتشر کرد.
- عاقلی، باقر، روز شمار تاریخ ایران از مشروطه تا انقلاب اسلامی، ج اول، تهران: انتشارات گفتار، ۱۳۶۹ش، ص ۳۲۲.
- ۵۵- مؤلف بلا مگر آن عصر خلاصی می نویسد. علی دشتی یک روز بدون مقدمه به دیدن حضرت اشرف رفت. پس از اندکی محبت، با نر می گفتار و جدابیت مخصوصی که سردار سپه در آن وقت داشت، آخرین تردید قلب احساساتی دشتی را نیز از بین برد و بی اختیار به او گفت از این تاریخ قلم رو بمان و فکر من در اختیار پیشرفت مقاصد مبین پرستانه حضرت اشرف است.
- هواچه نوری، ابراهیم، همان، ص ۱۷۷.
- ۵۶- آرزین پور، یحیی، همان، ص ۳۹۱، ۳۹۰.
- ۵۷- عاقلی، باقر، بیورناش، تهران: انتشارات جاویدان، ۱۳۷۷ش، چاپ سوم، ص ۲۶۰.
- ۵۸- صفایی، ابراهیم، زندگینامه سید زاهدی، تهران: انتشارات علمی، ۱۳۷۲ش، ص ۲۶۶ تا ۲۹۹.
- ۵۹- عاقلی، باقر، روز شمار تاریخ ایران از مشروطه تا انقلاب اسلامی، همان، ص ۱۳۲.
- ۶۰- وجدی، اصناب مصونست از نمایندگانی مجلس و رد اعتبارنامه های آنان در ادوار مختلف پارلمان، مجله و جید، سال هشتم، شماره مسلسل ۸۵، شماره اول، دی ماه ۱۳۲۹ش، ص ۱۶.
- ۶۱- فرهنگ قهرمانی، عطاءالله، اسامی نمایندگان مجلس شورای ملی از آغاز مشروطیت تا دوره ۲۴ قانونگذار و نمایندگان مجلس سنه در هفت دوره تقیبه از ۱۳۰۸ تا ۱۳۵۲ش، تهران: انتشارات مجلس شورای ملی، ۲۵۳۶ش، ص ۵۸.
- ۶۲- دهنوی، محمد، تاریخ معاصر ایران، کتاب دوم، (برگه های از تاریخ) تهران: موسسه پژوهش و مطالعات فرهنگی، ۱۳۶۹ش، ص ۱۶۸ و ۲۱۴.
- ۶۳- فرهنگ قهرمانی، عطاءالله، همان، ص ۱۷۰.
- ۶۴- وضائیه، سیر نامه مارتندان، تهران: مرکز پژوهش و نشر فرهنگ سیاسی دوران بهلوی، ۱۳۰۵ش، ص ۸۱.
- ۶۵- افراد دیگری که در این سفر همراه شاه بودند، علی اکبر دلا گرنماینده مجلس، شکر الله صفوی، میرزا کریم خان زشتی، سریب علیخان معاون اداره آنتیه، سرهنگ محمدباقر خان آجودان و یعهد، باور منصور، میرزا جهانیش ریاست دو اتومبیل اسکورت نظامی، در نفر آجودان، دو نفر اعضای دفتر مختصر ص.
- همان، ص ۱۲.
- و در خاطرات سردار اسعد بختیاری از دکتر امیراعلم، قائم مقام و قوام الدوله نیز در این سفر نام می برد.
- اسعد بختیاری، جعفر قلی (امیر بهادر)، سردار اسعد، خاطرات سردار اسعد بختیاری (جعفر قلی شاه امیر بهادر) به گوشش ایرج افشار، تهران: انتشارات اساطیر، ۱۳۷۲ش، ص ۱۸۱.
- ۶۶- یغمایی، انبال، وزیران علوم و معارف و فرهنگ ایران، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۵ش، ص ۳۵۵.
- ۶۷- سازمان اسناد ملی، گد ۱۳۰۱۳، پاکت ۹۶۹۹.
- ۶۸- فرهنگ قهرمانی، عطاءالله، همان، ص ۸۴.
- ۶۹- همان، ص ۹۰.

۷۰- همان، ص ۹۸.

۷۱- عاقلی، باقر، روزشمار تاریخ ایران از مشروطه تا انقلاب اسلامی، همان، ص ۱۸۸-۱۸۹.

۷۲- معاهده ورسای، ۲۸ ژوئن ۱۹۱۹م در کنفرانس صلح پاریس به موجب پیمان ورسای، بین آلمان و متفقین حالت صلح برقرار گردید. مواد عمده پیمان عبادت بودند از: تسلیم مستعمره های آلمان به سرپرستی جامعه ملی، بازگرداندن آفراس و لوزن به فرانسه، واگذاری اربن - حالندی به بلژیک، حمل به لیتوانی، هلندتاین به چکسلواکی، برنایک، بخشی های ایزروس و سیلزی علیابه لهستان، دانزیک به جامعه ملی و اعلام آن به عنوان شهر آزاد. در ضمن مقرر شد در شلوایک شمالی چینه بوسی به عمل آید تا تکلیف مرز آلمان دانمارک مشخص گردد، ساز با وضع خاصی که پیدا کرد به اشغال فرانسه درآمد. راین نند به مدت ۱۵ سال به اشغال فرانسه درمی آمد و منطقه غیر نظامی اعلام میشد. آلمان متعهد به خواست جنگی شد. وحدت آلمان - اتریش ممنوع گردید. آلمان مسبب جنگ شناخته شد و مقرر شد قیصر و سایر سران آلمان محاکمه شوند. ارتش آلمان به ۱۰۰ هزار نفر محدود گردید و نظام و طبقه در آلمان ملغی شد. آلمان از نانک، سلاح سنگین و مخازن گازی های شیمیایی مسموم کنند، هواپیما، کشتی و ستاد ارتش محروم شد. راه های نیروهای دریایی آلمان به کستر از ۱۰ هزار تنی محدود شدند. آلمان از داشتن هر گونه زیر دریایی، هر گونه سلاح هوایی و نیروی هوایی محروم گردید. میثاق جامعه ملی نیز در متن قرار داده شده بود. آلمان پیمان و ارضاء کرد. اما ایالات متحده زیر فشار کنگره از ارضاء نهایی پیمان سر باز زد. قیصر و سایر ویران آلمان از محاکمه معاف شدند و ژنرال سبکت راه های برای فرار آلمان از محدودیت تجدیدنسیجات پیدا کرد. مورخان امریکایی و آلمانی به این که آلمان مقصر جنگی و مسؤوول آغاز جنگ شناخته شده بود اعتراض داشتند. باروی کار آمدن هیتلر از ۱۹۳۳م. هیچ یک از مفاد پیمان ورسای از جانب آلمان مراعات نشد.

تدیس احمد و شهین احمدی، فرهنگ تاریخ، ج ۸، تهران: انتشارات آگاه، ۱۳۶۹ش، ص ۱۲۵۹-۱۲۵۵.

۷۳- مکی، حسین، تاریخ بیست ساله ایران، ج ۵، تهران: نشر ناشر، ۱۳۶۹ش، ص ۲۵۸-۲۵۹.

۷۴- عاقلی، باقر، روزشمار تاریخ ایران از مشروطه تا انقلاب اسلامی، همان، ص ۱۹۱.

۷۵- عاقلی، باقر، تیمورتاش، همان، ص ۲۹۷.

۷۶- دوشی، علی، پنجاه و پنج، تهران: موسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۵۳ش، چاپ دوم، ص ۱۴۸-۱۴۷.

۷۷- سازمان اسناد ملی ایران، کد ۱۱۳۰۱۱-۱۱۳۰۱۱، پاکت ۹۱۵۲.

۷۸- فرهنگ قهرمانی، عطاء... همان، ص ۱۱۳.

۷۹- بهزادی، علی، همان، ص ۲۲۶.

۸۰- خواجه نوری، ابراهیم، همان، ص ۱۷۹.

۸۱- دوسنتوزیاده، اس (المغرب)، (۱) از یونانی دوس Dous به معنی بندشخواری، به سختی، به صعوبت و آثر Emera به معنی درون و احشای انعام/انسهالی است یا در د و خون، اسهال خونی، دل پیچه و صاحب ذخیره خوارزمشاهی گویند اسهال را که سبب آن ریش روده های روده به لغت یونانی دوسنتوزیا یا Dysentere گویند و نیز در عنوان بابی آورده است، در صحیح و ریش روده ها و اسهال خونی که دوسنتوزیا گویند (ذخیره خوارزمشاهی).

دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، ج ۷، تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۳ش، چاپ اول از دوره جدید، ص ۱۰۲۳.

۸۲- سازمان اسناد ملی ایران، ۱۱۳۰۰۳-۱۱۳۰۰۳، ۶۰۸-الف ۳، الف ۱.

۸۳- صفایی، ابراهیم، چهل خاطره از چهل سال، همان، ص ۳۳۳.

۸۴- هدایت، مهدیقلی (مصدر السلطنه)، خاطرات و خطرات آتو شه ای از تاریخ شن بلاشه و گوشه ای از دوره زندگی من، تهران: انتشارات زوار، ۱۳۷۵ش، چاپ پنجم، ص ۴۱۲.

۸۵- صفایی، ابراهیم، چهل خاطره از چهل سال، همان، ص ۳۳۳.

۸۶- سازمان اسناد ملی ایران، کد ۱۱۳۰۱۵، پاکت ۱۱۱۲۶.

۸۷- مکی، حسین، تاریخ بیست ساله ایران، ج ۵، همان، ص ۲۷۹.

۸۸- سیفی فنی تفرشی، مرتضی، پلیس خفیه ایران آمروزی بر خندهای سیاسی و تاریخچه شهر بانی ۱۱۹۹-۱۳۲۰ش (تهران: انتشارات ققنوس، ۱۳۶۸ش، چاپ دوم، ص ۲۰۵).

۸۹- سازمان اسناد ملی ایران، کد ۱۱۳۰۱۵، پاکت ۱۱۱۲۶.

۹۰- آل احمد، جلال، ادب و هنر امروز ایران (مجموعه مقالات)، ۱۳۶۸-۱۳۶۹، تهران:

نشر سبزه، نشر همگامی، ۱۳۷۳ش، ص ۲۶۸.

۹۱- سازمان اسناد ملی ایران، کد ۱۱۳۰۱۵، پاکت ۱۱۱۲۶.

۹۲- صفایی، ابراهیم، چهل خاطره از چهل سال، همان، ص ۳۳۳.

۹۳- سیفی فنی تفرشی، مرتضی، همان، ص ۲۰۵-۲۰۶.

۹۴- معتقد، خسرو، پلیس سیاسی عصر بیست ساله، تهران: انتشارات جاززاده، ۱۳۶۹ش، ص ۳۵۰.

۹۵- فرهنگ قهرمانی، عطاء... همان، ص ۱۵۷.

۹۶- صفایی، ابراهیم، چهل خاطره از چهل سال، همان، ص ۳۳۳.

۹۷- سازمان پرورش افکار در شی ماه سال ۱۳۳۷ش، تأسیس شد.

دولانی، محمود، فرهنگ سبزی در دوره رضاشاه (استاد منتشر شده سازمان پرورش افکار، ۱۳۲۰-۱۳۳۷ شمسی، تهران: انتشارات سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۷۵ش، ص سی و شش).

۹۸- فرامرزی، عبدالرحمن، رشحات فتم، به کوشش رحیم سعیدی، تهران: چاپخانه مشعل آزادی، ۱۳۵۲ش، ص ۲۲۳.

۹۹- عاقلی، باقر، روزشمار تاریخ ایران از مشروطه تا انقلاب اسلامی، همان، ص ۳۲۲.

۱۰۰- بهزادی، علی، همان، ص ۲۲۶.

۱۰۱- کاتوزیان، محمدعلی، اقتصاد سیاسی ایران از مشروطه تا پایان سلطه پهلوی، ترجمه محمد ضابطی و کامیاب غوبری، تهران: نشر مرکز، ۱۳۷۳ش، چاپ چهارم، ص ۱۸۹.

۱۰۲- آرزین پور، یحیی، همان، ص ۳۲۲.

۱۰۳- مرسلوند، حسن، زندگنامه رجال و مشاهیر ایران ۱۹۹۹ (۱۳۲۰ش) ج سوم، تهران: انتشارات الهام، ۱۳۷۳ش، ص ۳۲۱.

مکی، حسین، تاریخ بیست ساله ایران، ج ۵، تهران: نشر ناشر، ۱۳۶۹ش، ص ۵۶.

۱۰۶- برای اطلاع بیشتر، رک- کریمیان، علی، پیامدهای واقعه گوه رشاد در آیت اسناد، تاریخ و فرهنگ معاصر، سال ششم، شماره ۱ و ۲، بهار و تابستان ۱۳۷۶ش، ص ۱۲۴-۱۲۲.

همان، سال ششم، شماره ۱ و ۲، بهار و تابستان ۱۳۷۶ش، ص ۳۲-۳۳.

۱۰۵- سیفی فنی تفرشی، مرتضی، همان، ص ۲۲۳.

۱۰۶- ذاکر حسن، عبدالرحیم، مطبوعات سیاسی ایران در عصر مشروطیت، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۰ش، چاپ دوم، ص ۱۳۸.

۱۰۷- طبرانی، بیروز، اسناد احزاب سیاسی ایران ۱۳۲۰-۱۳۳۰ش، ج ۲، تهران: انتشارات سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۷۶ش، ص ۹۵-۹۶.

۱۰۸- فرهنگ قهرمانی، عطاء... همان، ص ۱۷۱.

۱۰۹- همان، ص ۱۸۴.

۱۱۰- ذاکر حسین، عبدالرحیم، همان، ص ۱۵۰.

۱۱۱- عاقلی، باقر، میرزااحمدخان قوام السلطنه در دوران فاجاره و پهلوی، تهران: انتشارات جاویدان، ۱۳۷۶ش، ص ۲۴۰.

۱۱۲- تفرشی، مجید و محمود ظاهر احمدی، گزارش های محرمانه شهر بانی ۱۳۲۶-۱۳۳۳ش، ج اول، تهران: انتشارات سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۷۱ش، ص ۹۲.

۱۱۳- عاقلی، باقر، میرزااحمدخان قوام السلطنه ... همان، ص ۳۳۳.

۱۱۴- تفرشی، مجید و محمود ظاهر احمدی، همان، ص ۱۴۹.

۱۱۵- عاقلی، باقر، میرزااحمدخان قوام السلطنه ... همان، ص ۲۰۷.

۱۱۶- ۲۸ هزار روز تاریخ ایران و جهان، همان، ص ۶۰۹.

۱۱۷- عاقلی، باقر، میرزااحمد قوام السلطنه، همان، ص ۲۱۹.

۱۱۸- آرزین پور، یحیی، همان، ص ۳۲۲.

۱۱۹- سازمان اسناد ملی، کد ۱۱۳۰۰۳-۱۱۳۰۰۳، پاکت ۷۹۴.۶.

۱۲۰- آرزین پور، یحیی، همان، ص ۳۲۲.

۱۲۱- سازمان اسناد ملی ایران، کد ۱۱۳۰۰۳-۱۱۳۰۰۳، پاکت ۷۹۴.۶.

۱۲۲- عاقلی، باقر، روزشمار تاریخ ایران از مشروطه تا انقلاب اسلامی، همان، ص ۳۹۲.

۱۲۳- آرزین پور، یحیی، همان، ص ۳۲۲.

۱۲۴- تفرشی، مجید و محمود ظاهر احمدی، همان، ص ۲۸۱.

۱۲۵- همان، ج دوم، ص ۸۰-۸۱.

۱۲۶- همان، ص ۷۰.

۱۲۷- همان، ص ۸۱.

۱۲۸- همان، ص ۱۰۵.

۱۲۹- همان، ص ۱۲۱.

۱۳۰ - عاظمی، باقر. روزنامه تاریخی ایران، همان، ص ۳۹۸

۱۳۱ - دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، سیاست‌گذاران و رجال سیاسی در روابط خارجی ایران، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۶۹ش، ص ۹۹ در کتاب فوق مدت سفارت رانانار دیهشت ۱۳۳۰ش نوشته است.

۱۳۲ - فخر غلام بروجنی، جمشید. دولتهای عصر مشروطیت، تهران: اداره کل فرائض مجلس شورای ملی، ۱۳۵۰ش، ص ۳۱۱، ۳۱۰.

۱۳۳ - وزیران عزیزت بودا از: عبداللّه انتظام وزیر امور خارجه - سیدعلی اصغر نادری وزیر جنگ، شمس‌الدین امیر غلامی وزیر دادگستری، محمدعلی وارسته وزیر دادگستری، سرتشکر حسن ارفع وزیر راه - حسنعلی صباغ‌السلک فرمانده وزیر کشاورزی - مهتدیس احمدزادگانه وزیر پوست و تشکراف و تشلن - دکتر عباس نفیسی وزیر بهداشتی - مهتدیس حبیب‌الدینی وزیر کار - حریب‌الدین آموگ وزیر فرهنگ - جمشید مفتاح کفیل وزارت اقتصاد ملی و علی دشتی وزیر مشاور بود.

بغمانی، انبال، همان، ص ۲۶۹.

۱۳۴ - مولف، کتاب انسانی نمایندگان مجلس شورای ملی از آغاز مشروطیت تا دوره ۲۶ قانونگذاری و نمایندگان مجلس سا در هفت دوره تقبیه می‌نویسد، در دوره اول چون دکتر محمود حسینی ستغی دولتی قبول کرده، علی دشتی به جای او انتصاب و در ۲۸ آبان ۱۳۳۱ش نماینده مجلس است.

فرهنگ قهرمانی، عطاءالله، همان، ص ۲۶۶.

۱۳۵ - روزنامه اطلاعات، شماره ۷۷۷۸ چهارشنبه ۲۶ فروردین ۱۳۳۱ش، ص ۱.

۱۳۶ - فرهنگ قهرمانی، عطاءالله، همان، ص ۳۶۵ و ۳۶۹.

۱۳۷ - همان، ص ۳۵۸ - ۳۵۹.

۱۳۸ - دور مطالعات سیاسی و بین‌المللی، همان، ص ۶۵.

۱۳۹ - فرهنگ قهرمانی، عطاءالله، همان، ص ۳۶۷.

۱۴۰ - همان، ص ۳۶۷.

۱۴۱ - سعید گلپایگی، احمد. سابقه فرهنگستان در ایران، نامه فرهنگستان، ستاد ویراسته‌شده اول، بهار ۱۳۷۶ش، ص ۱۴۲.

۱۴۲ - صورت انسانی کسانی که صلاحیت عضویت در فرهنگستان زبان ایران داشتند، تدبیر الزمان، فروزانفر، جلال همانی، دکتر مقدم، دکتر ذبیح‌الله صفاد علی دشتی، محمدعلی جمال‌زاده، مستغنی همدانی، روین‌العبادین و همتا. در صورت انسانی کسانی که صلاحیت عضویت فرهنگستان ادب و هنر را داشتند، دکتر پرویز ناطق جانپوری، علی اصغر حکمت، دکتر سزانه شفیق، دکتر علی اکبر سیاسی، محمود صفایی، حمید شیروانی، شجاع‌الدین شفا، محمد سعیدی، دکتر صدیق اعلم بودند.

سازمان استاد ملی ایران، ۱۳۶۸، ۱۳۶۷، ۱۳۶۶، ۱۳۶۵، ۱۳۶۴.

۱۴۳ - سعید گلپایگی، احمد، همان، ص ۱۴۲.

۱۴۴ - فرهنگ قهرمانی، عطاءالله، همان، ص ۳۸۸.

۱۴۵ - همان، ص ۳۹۸.

۱۴۶ - روزنامه اطلاعات، شماره ۱۵۱۶، سه‌شنبه ۲۶ فروردین ۱۳۵۸ش، ص ۷.

۱۴۷ - شقایق، ابراهیم. پهل خاخره از چهل سال، همان، ص ۳۳۶.

۱۴۸ - مرسلوند، حسن، همان، ص ۳۲۲.

۱۴۹ - مشار، خاتینا، فهرست کتابهای چاپی فارسی از اول، تهران: چاپخانه لوزنگ، ۱۳۵۰ش، چاپ دوم، ص ۲۱۸، ۲۱۷، ۲۱۶، ۲۱۵، ۲۱۴، ۲۱۳، ۲۱۲، ۲۱۱، ۲۱۰، ۲۰۹، ۲۰۸، ۲۰۷، ۲۰۶، ۲۰۵، ۲۰۴، ۲۰۳، ۲۰۲، ۲۰۱، ۲۰۰، ۱۹۹، ۱۹۸، ۱۹۷، ۱۹۶، ۱۹۵، ۱۹۴، ۱۹۳، ۱۹۲، ۱۹۱، ۱۹۰، ۱۸۹، ۱۸۸، ۱۸۷، ۱۸۶، ۱۸۵، ۱۸۴، ۱۸۳، ۱۸۲، ۱۸۱، ۱۸۰، ۱۷۹، ۱۷۸، ۱۷۷، ۱۷۶، ۱۷۵، ۱۷۴، ۱۷۳، ۱۷۲، ۱۷۱، ۱۷۰، ۱۶۹، ۱۶۸، ۱۶۷، ۱۶۶، ۱۶۵، ۱۶۴، ۱۶۳، ۱۶۲، ۱۶۱، ۱۶۰، ۱۵۹، ۱۵۸، ۱۵۷، ۱۵۶، ۱۵۵، ۱۵۴، ۱۵۳، ۱۵۲، ۱۵۱، ۱۵۰، ۱۴۹، ۱۴۸، ۱۴۷، ۱۴۶، ۱۴۵، ۱۴۴، ۱۴۳، ۱۴۲، ۱۴۱، ۱۴۰، ۱۳۹، ۱۳۸، ۱۳۷، ۱۳۶، ۱۳۵، ۱۳۴، ۱۳۳، ۱۳۲، ۱۳۱، ۱۳۰، ۱۲۹، ۱۲۸، ۱۲۷، ۱۲۶، ۱۲۵، ۱۲۴، ۱۲۳، ۱۲۲، ۱۲۱، ۱۲۰، ۱۱۹، ۱۱۸، ۱۱۷، ۱۱۶، ۱۱۵، ۱۱۴، ۱۱۳، ۱۱۲، ۱۱۱، ۱۱۰، ۱۰۹، ۱۰۸، ۱۰۷، ۱۰۶، ۱۰۵، ۱۰۴، ۱۰۳، ۱۰۲، ۱۰۱، ۱۰۰، ۹۹، ۹۸، ۹۷، ۹۶، ۹۵، ۹۴، ۹۳، ۹۲، ۹۱، ۹۰، ۸۹، ۸۸، ۸۷، ۸۶، ۸۵، ۸۴، ۸۳، ۸۲، ۸۱، ۸۰، ۷۹، ۷۸، ۷۷، ۷۶، ۷۵، ۷۴، ۷۳، ۷۲، ۷۱، ۷۰، ۶۹، ۶۸، ۶۷، ۶۶، ۶۵، ۶۴، ۶۳، ۶۲، ۶۱، ۶۰، ۵۹، ۵۸، ۵۷، ۵۶، ۵۵، ۵۴، ۵۳، ۵۲، ۵۱، ۵۰، ۴۹، ۴۸، ۴۷، ۴۶، ۴۵، ۴۴، ۴۳، ۴۲، ۴۱، ۴۰، ۳۹، ۳۸، ۳۷، ۳۶، ۳۵، ۳۴، ۳۳، ۳۲، ۳۱، ۳۰، ۲۹، ۲۸، ۲۷، ۲۶، ۲۵، ۲۴، ۲۳، ۲۲، ۲۱، ۲۰، ۱۹، ۱۸، ۱۷، ۱۶، ۱۵، ۱۴، ۱۳، ۱۲، ۱۱، ۱۰، ۹، ۸، ۷، ۶، ۵، ۴، ۳، ۲، ۱.

۱۴۰ - مشار، خاتینا، همان، ص ۱۱۶.

۱۴۱ - آریز پور، محسن، همان، ص ۳۲۹.

۱۴۲ - مشار، خاتینا، همان، ص ۱۵ ص ۵۳۲۴.

۱۴۳ - رضاشاه، همان، ص ۶۶.

۱۴۴ - چهره مطبوعات معاصر، با مقدمه علامه حسین صالح‌نژاد، تهران: پرس اجنت، تاریخ مقدمه ۱۳۵۱ش، ص ۱۹.

۱۴۵ - معراجی، شیرین. فهرست موضوعی مجله رضفا، تهران: مرکز اطلاعات و مدارای علمی ایران، ۱۳۷۶ش، ص ۳۱، ۳۲.

۱۴۶ - انتشار، ایرج، فهرست مقالات فارسی از ۱۳۰۱ش تهران: شرکت سهامی کتابهای جیبی، ۱۳۵۵ش، ص ۱۸۶.

۱۴۷ - گلین، محمد. فهرست سی ساله سالنامه دنیا، تهران: موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، ۱۳۷۷ش، ص ۳۳.

۱۴۸ - انتشار، ایرج، همان، ج ۱: تهران: شرکت سهامی کتابهای جیبی، ۱۳۳۸ش، ص ۶۸۴.

۱۴۹ - معراجی، شیرین. همان، ص ۳۹.

۱۵۰ - گلین، محمد، همان، ص ۱۱۳.

۱۵۱ - معراجی، شیرین. همان، ص ۴۴.

۱۵۲ - انتشار، ایرج، همان، ج ۳، ص ۶۲.

۱۵۳ - انتشار، ایرج، فهرست مقالات فارسی در زمینه تحقیقات ایرانی (۱۳۶۱-۱۳۷۰)، ج ۵: تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۶ش، ص ۶۸۷-۶۸۸.

۱۵۴ - انتشار، ایرج، همان، ج ۳، ص ۳۲، ۳۱.

۱۵۵ - انتشار، ایرج، همان، ج ۳، ص ۳۳.

۱۵۶ - عالم مروستی، شهلا. فهرست مجله سخن (از دوره اول تا هشتم ۱۳۳۶-۱۳۳۲ش)، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۴ش، ص ۱۴۲.

۱۵۷ - انتشار، ایرج، همان، ج ۳، ص ۸۶، ۸۵.

۱۵۸ - هاتم مروستی، شهلا. همان، ص ۱۴۲.

۱۵۹ - معراجی، شیرین. همان، ص ۳۸.

۱۶۰ - انتشار، ایرج، همان، ج ۳، ص ۵۱۱.

۱۶۱ - معراجی، شیرین، همان، ص ۲۵۰، ۲۴۸، ۲۴۹.

۱۶۲ - انتشار، ایرج، همان، ج ۳، ص ۲۸۳، ۲۴۹.

۱۶۳ - معراجی، شیرین، همان، ص ۸۰، ۴۴.

۱۶۴ - انتشار، ایرج، همان، ج ۱، ص ۳۳۳.

۱۶۵ - معراجی، شیرین، همان، ص ۱۶۶.

۱۶۶ - گلین، محمد، همان، ص ۱۰۵.

۱۶۷ - معراجی، شیرین، همان، ص ۲۴۱.

۱۶۸ - انتشار، ایرج، همان، ج ۱، ص ۱۹.

۱۶۹ - همان، ج ۱، ص ۲۴۶.

۱۷۰ - معراجی، شیرین. همان، ص ۳۱، ۲۶۰.

۱۷۱ - انتشار، ایرج، همان، ج ۱، ص ۵۲۷، ۵۲۸، ۵۲۹.

۱۷۲ - معراجی، شیرین. همان، ص ۳۶۰.

۱۷۳ - انتشار، ایرج، همان، ج ۵، ص ۲۸۸.

۱۷۴ - معراجی، شیرین. همان، ص ۱۵۱.

۱۷۵ - همان، ص ۱۹۵.

۱۷۶ - معراجی، شیرین. همان، ص ۹۸.

۱۷۵ - همان، ص ۱۹۵. MAN, 1979, GHAI, HEIDAR, BAN HOUSE, INTRODUCTION